

# جلد اول سرمایه

کارل مارکس - فردریش انگلس

شورای دانشجویان و جوانان چاپ ایران



# سرمايه

(به زبان ساده)

کارل مارکس      فردریش اینگلس

ترجمه‌ای از:

zoku sihon- ron

تصویرگر: Variety Art Works

تدوین و تنظیم:

ayaho Usada

تهیه شده توسط انتشارات: East Press

چاپ اول / توکیو / ۲۰۰۹

برگردان: اولدوز درخشان

ویرایش نخست: عباس شاد، پژمان رحیمی

امور فنی و اجرایی:

سارا کوشش، ندا شایان،

آزادپاکباز، جاویدجویان

انتشارات

شورای دانش جویان و جوانان چپ ایران



# سرمایه قهرمانان



روبین

با همکاری دانیل قرار است آرزوی تاسیس یک کارخانه ی بزرگ را برآورده کند، اما از این که برای کسب سود کارگران را در شرایط سخت قرار می دهد و استثمارشان می کند همواره احساس عذاب وجدان دارد



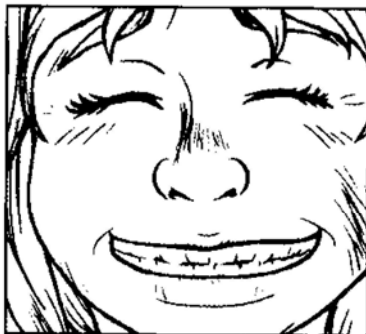
هاینریش

پدر روبین، بیشترین چیزی که بدان اهمیت می دهد زندگی شرافتمندانه در کنار دوستان است



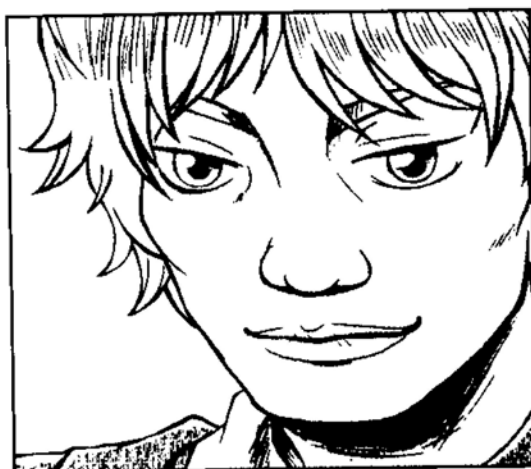
کارل

کارگر کارخانه، همواره مخالف شرایط سخت کاری است که از سوی سرمایه دار برنامه ریزی می شود



هلین

دوست دوران کودکی روبین، به خاطر کمک به خانواده اش کار می کند



دانیل

سرمایه گذار. از نام‌های خوش آتیه دنیای تجارت.  
با خونسردی پیش می‌رود و انسان‌ها را چون پیادگان  
شطرنج می‌بندارد.



آنا

دختر بانک‌دار بزرگ. عشق افلاطونی روبین



کاهایا

کارگران را با روشی خشن کنترل می‌کند

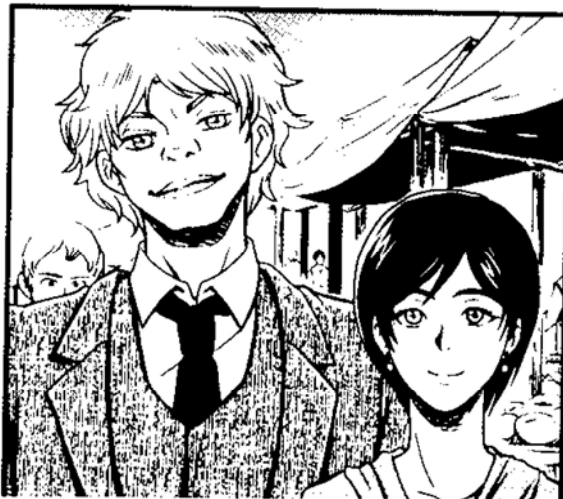
در سیستم سرمایه‌داری ثروت اجتماعی به شکل  
"انبوه عظیمی از کالا" دیده می‌شود

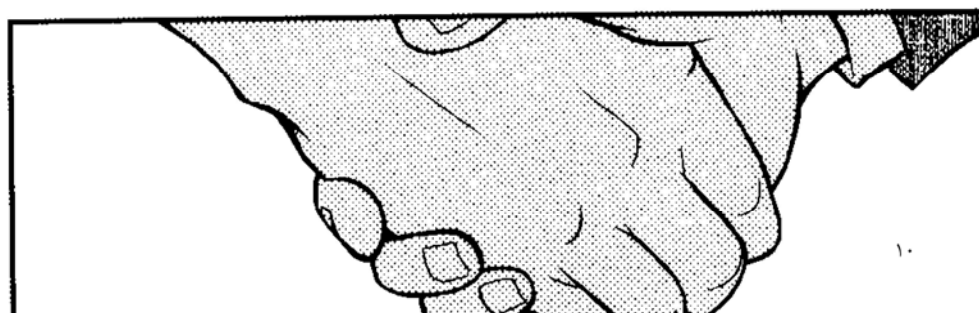


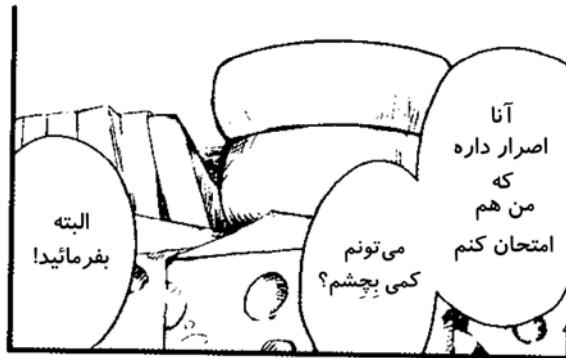


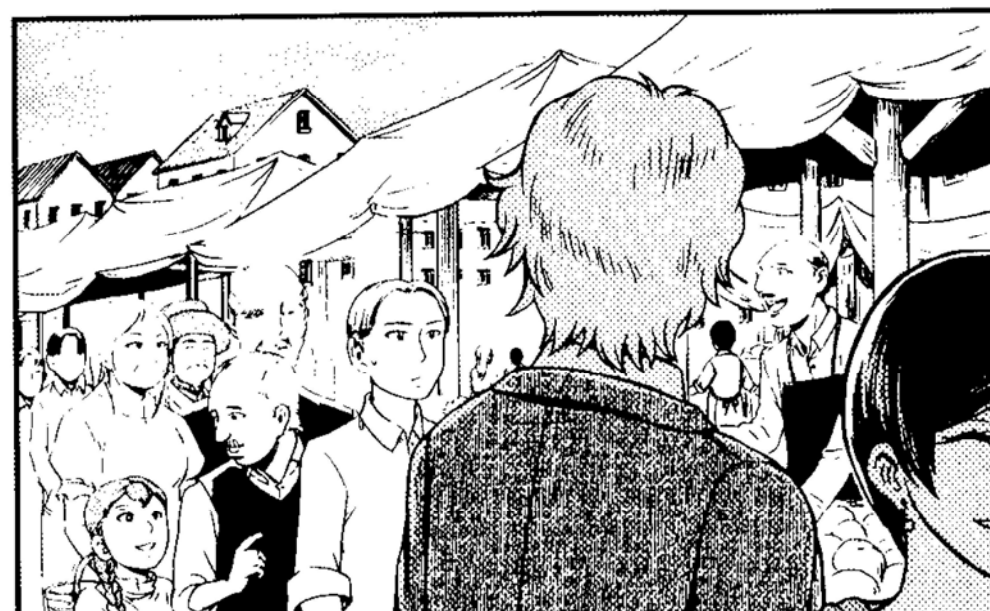


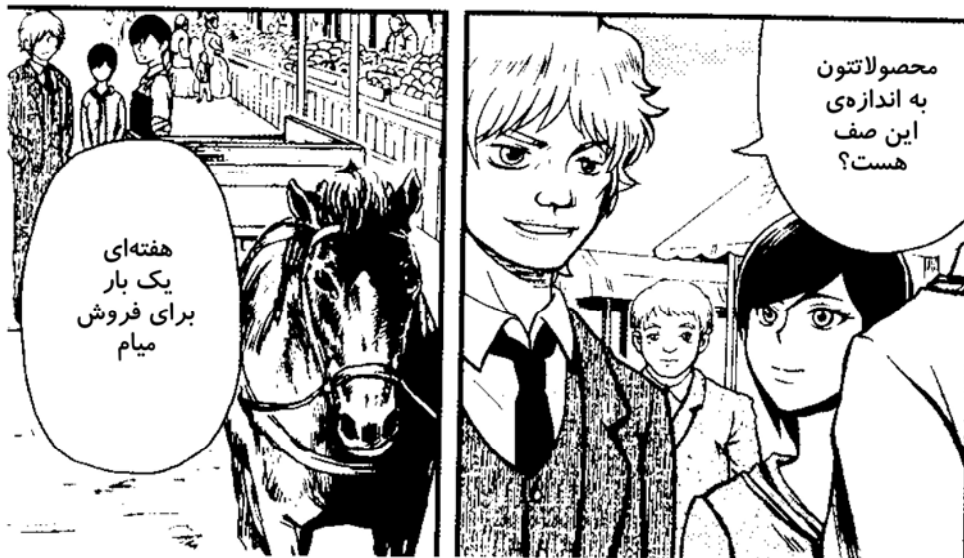


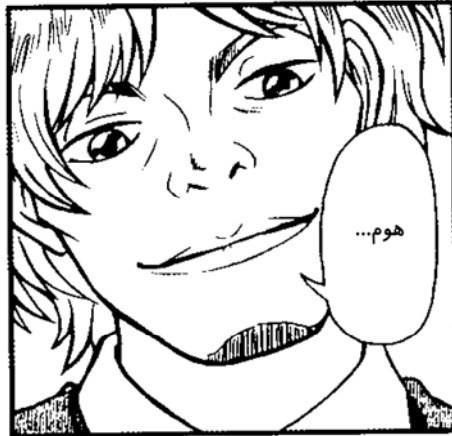








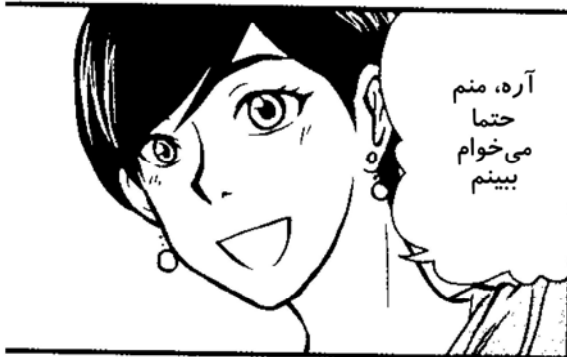






گوسفند و گاوها...  
بنابراین  
پنیر و شیر،  
پشم گوسفند و  
گوشت گاو و گوسفند

محشره



آره، منم  
حتما  
می خوام  
بینم



روبین  
می خواستم اگر  
ممکن باشه محل  
کارتون رو هم  
بینم

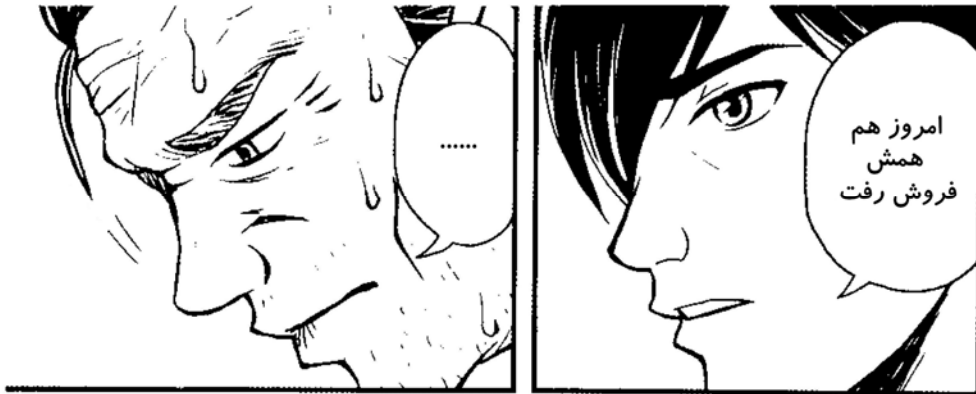
چی؟



هوم...









گوجه فرنگی های  
امروزت  
خیلی خوبن

اینم  
گوجه فرنگی.  
بفرمایید



یک کم...  
پول!!!

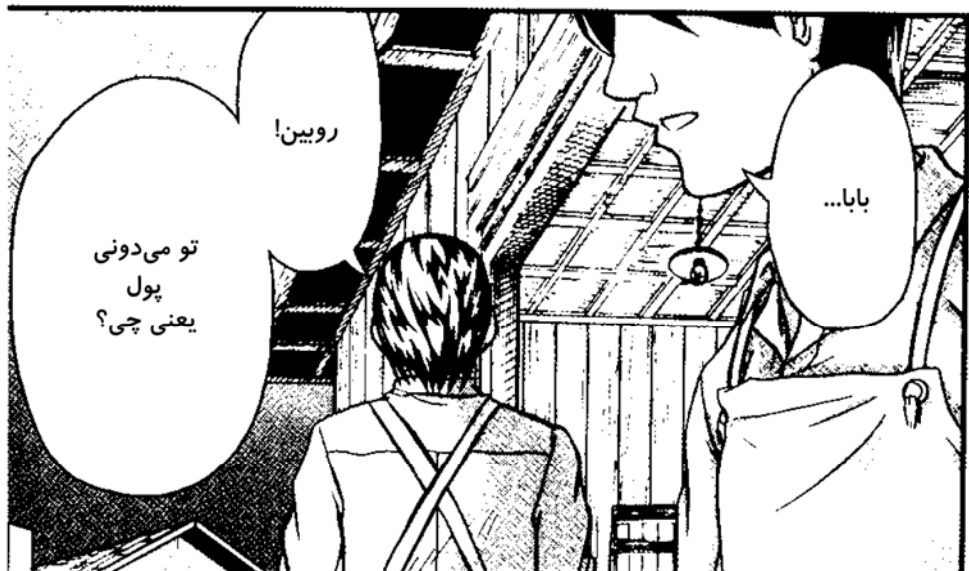
هوم...



گوجه ها تون هم  
واقعا  
عالیه!!!

ممنون که  
همیشه مارو  
ترجیح می دید

بخشید مادر  
اما بعد از این  
لطفا پولش  
رو کامل...



نیروی کار: نیروی کار که قابلیت مصرف دارد در شیوهی تولید سرمایه‌داری. مُد نسبت به کار کارگر پرداخت نمی‌شود بلکه نسبت به مصرف نیروی ذهنی یا بدنی یک فرد در مدت معینی تعیین می‌گردد.



ارزش مبادله‌ای: ارزش یک کالا در مقایسه با کالاهای دیگر و یا ارزش پولی یک کالا ارزش مبادله‌ای نامیده می‌شود. ارزش مبادله‌ای یک کالا نسبت به زمان کار اجتماعاً لازم برای تولید آن تعیین می‌شود.



سکه و اسکناس  
تجسم این  
کار و زحمت  
به شکل  
کاغذ و آهنه

چیزی که  
بهبش  
می‌گیم پول



زمان و زحمتی  
که اون  
مادر برای  
گوجه‌فرنگی‌هاش  
صرف کرده

و زمان و کاری  
که ما  
برای پنیرهامون  
صرف می‌کنیم

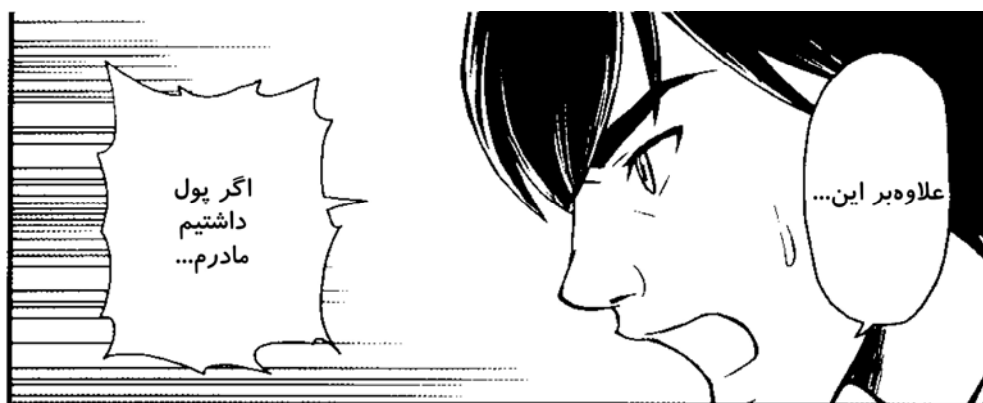


غیر از گوجه‌فرنگی  
نیازهای  
دیگه‌ای هم داریم،  
مگه نه؟



۹۹۹۹

از شنیدن  
این حرفا  
خسته شدم.





پول‌دارایی که  
نمی‌دونن  
عرقِ پیشانی و  
کار یعنی چی...

نباید به  
حرص و حسادت  
اعتنا کرد

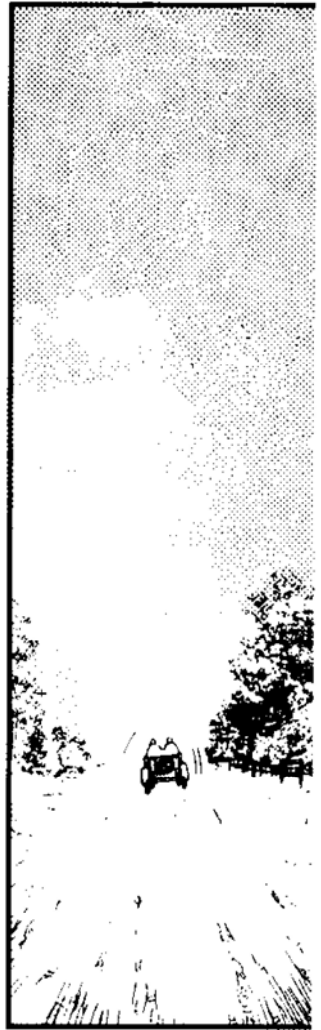
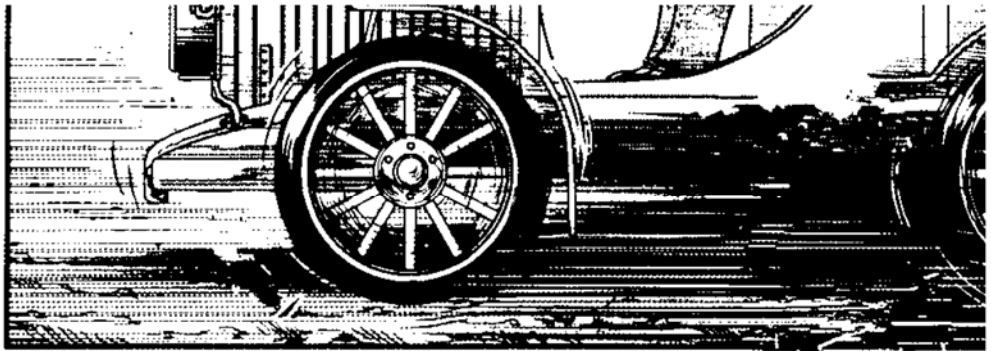
اصل زندگی  
شریک شدن در  
غم و شادی  
هم‌دیگر است

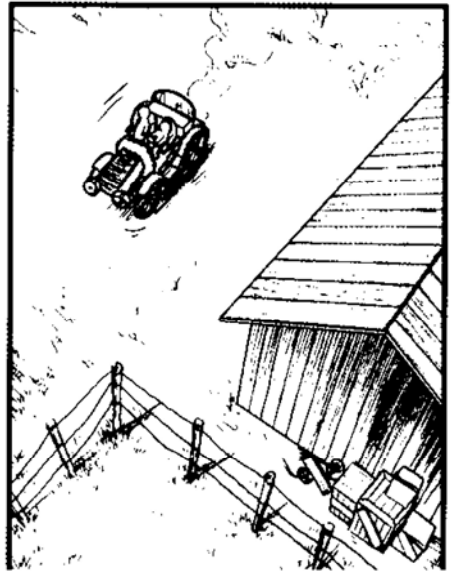
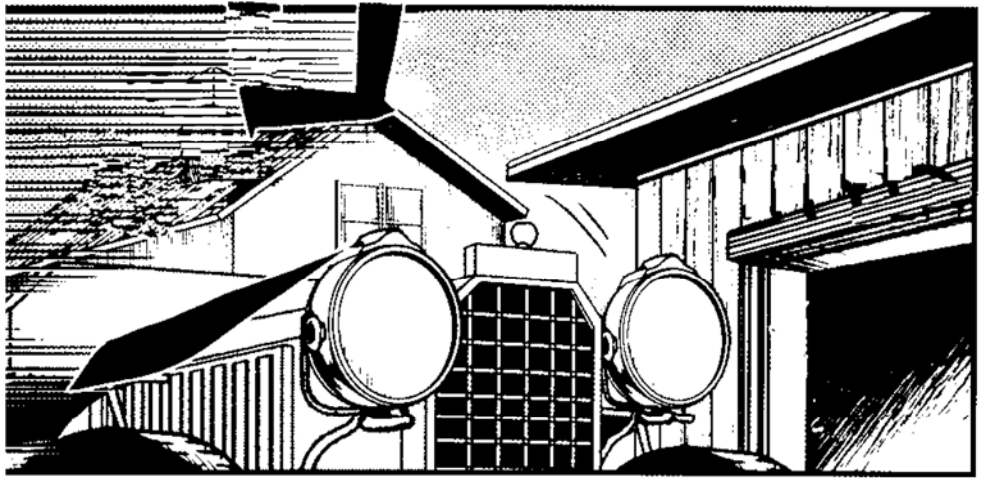


بقیه‌ی  
کارها رو هم  
خودت  
انجام می‌دی!

وصیت  
مادرت بود!



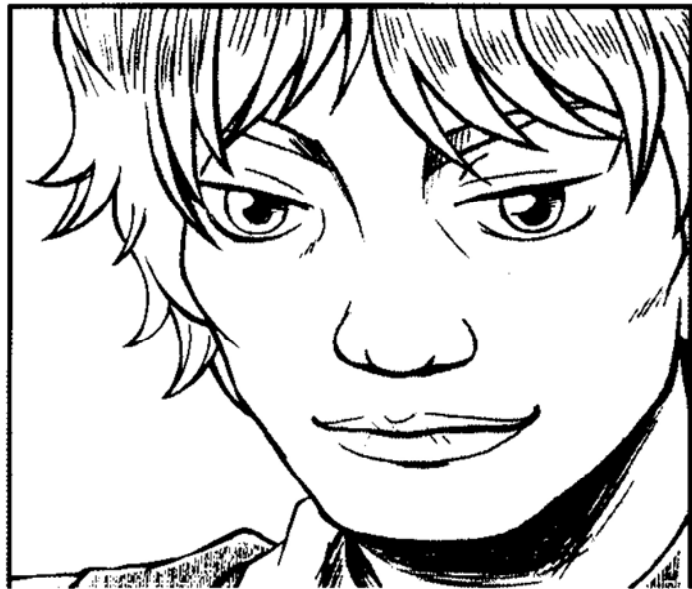
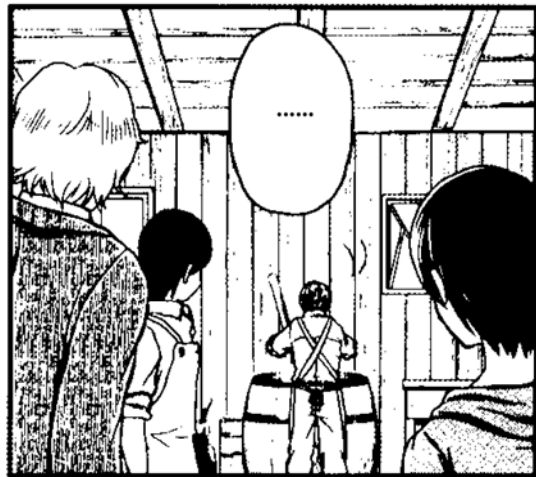


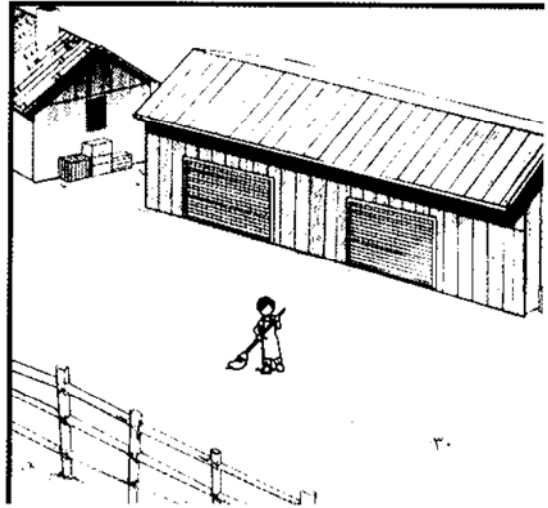
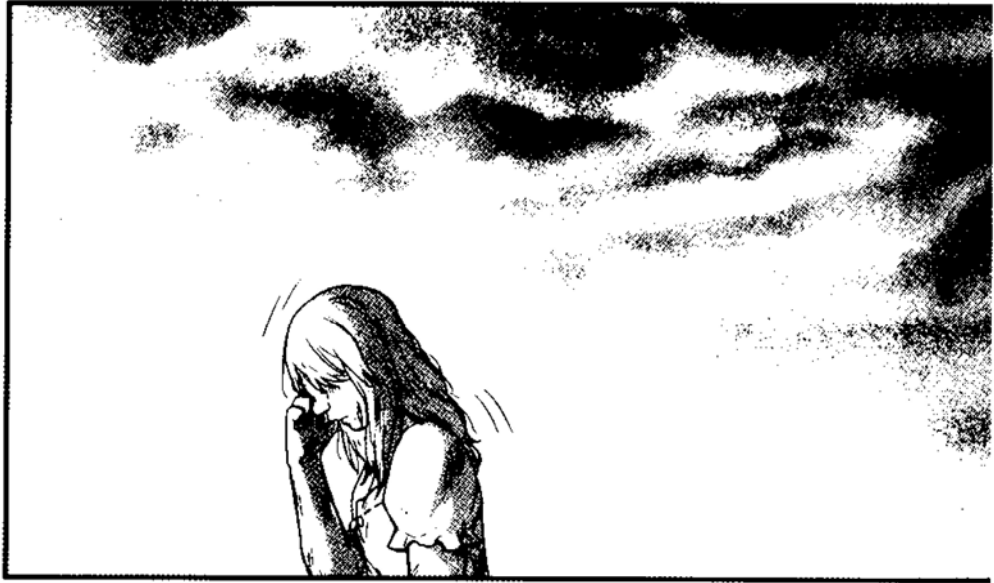


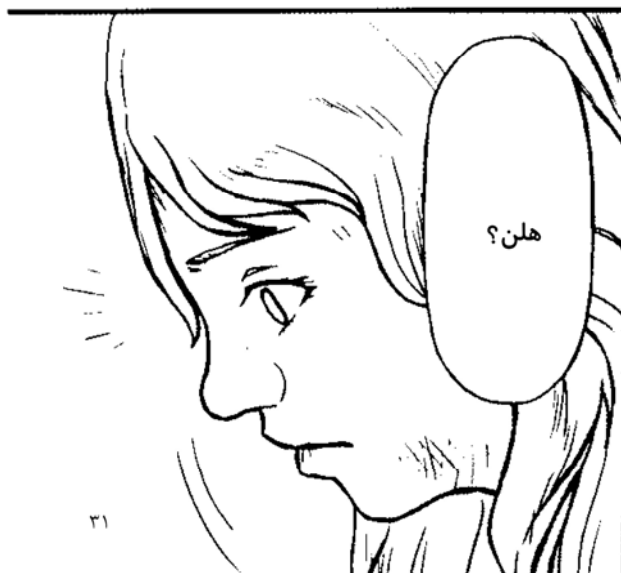




















آره!  
دانیل

پیشنهاد  
راه انداختن  
یک  
کارخونه‌ی  
پنیر رو  
بهم داد



بزرگ‌تر  
از این؟



کارخونه‌ی  
که  
دارید؟

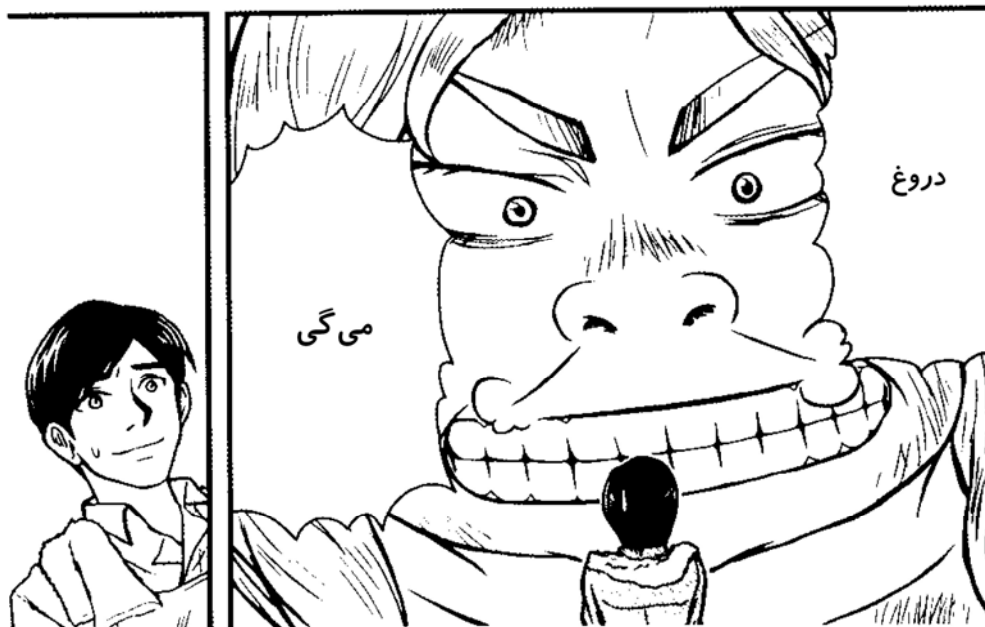
نه، خیلی  
بزرگ‌تر  
از این!

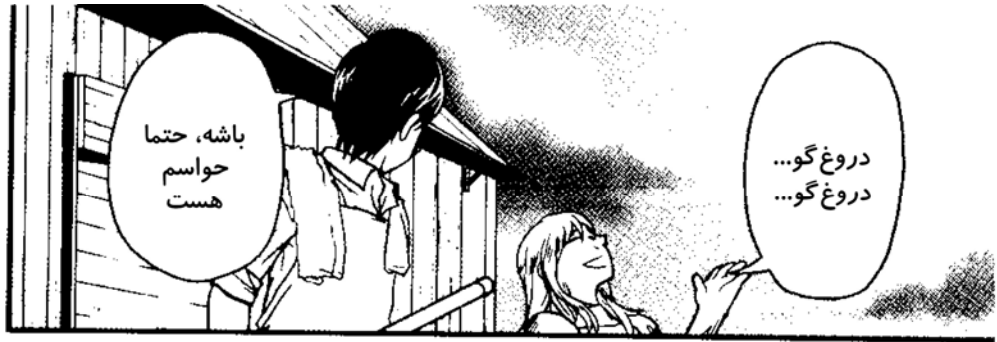


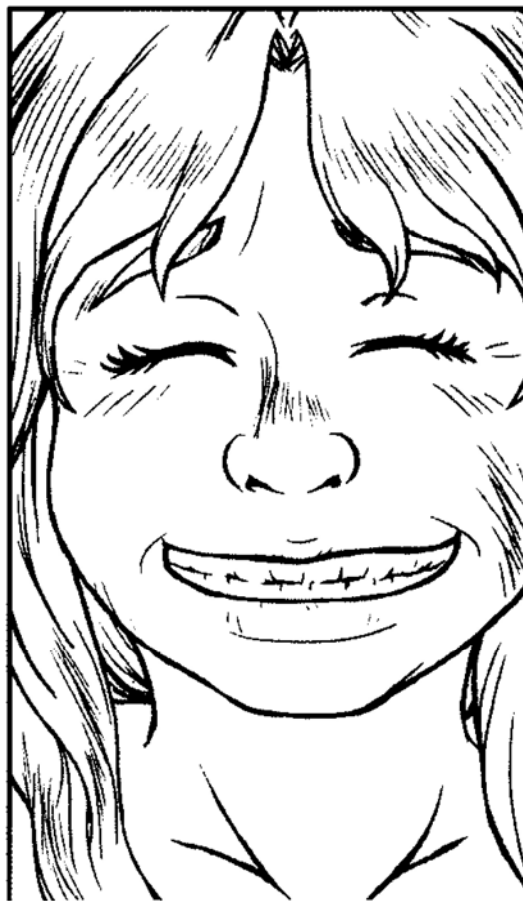
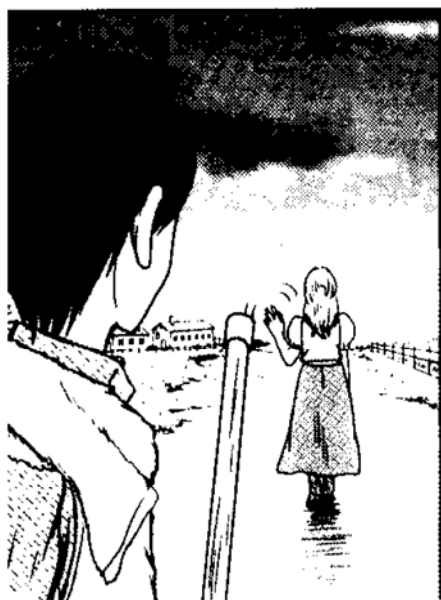
آره

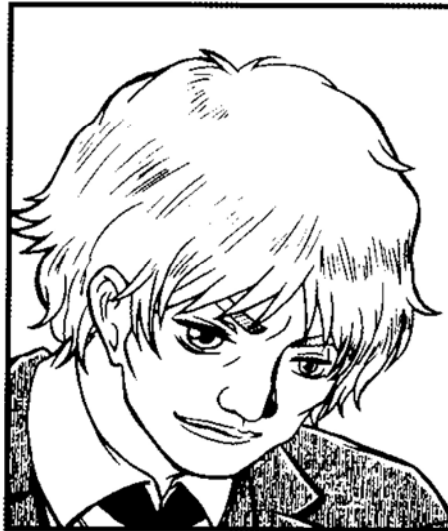
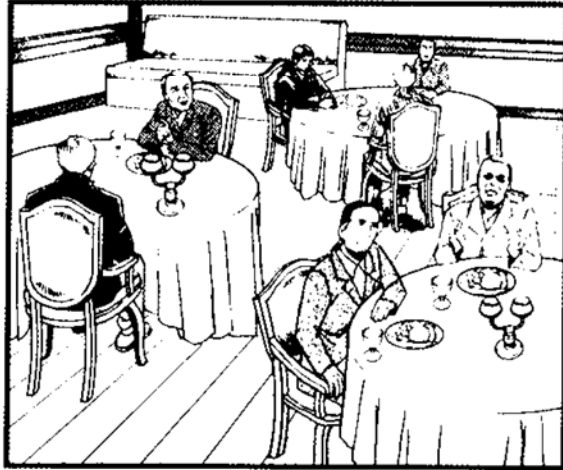
با کلی  
کارگر و  
ماشین‌های  
بزرگ

کارخونه‌ای که  
در مدت کم  
تولید زیادی  
داشته باشه





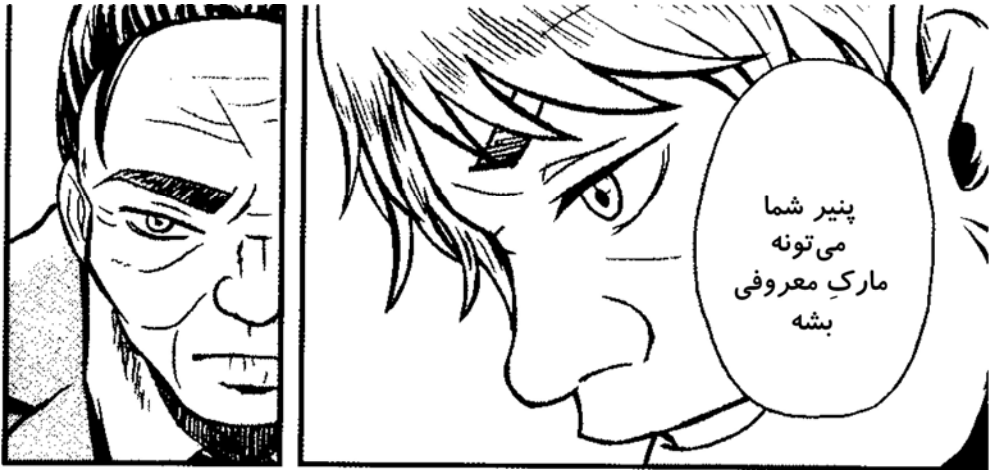


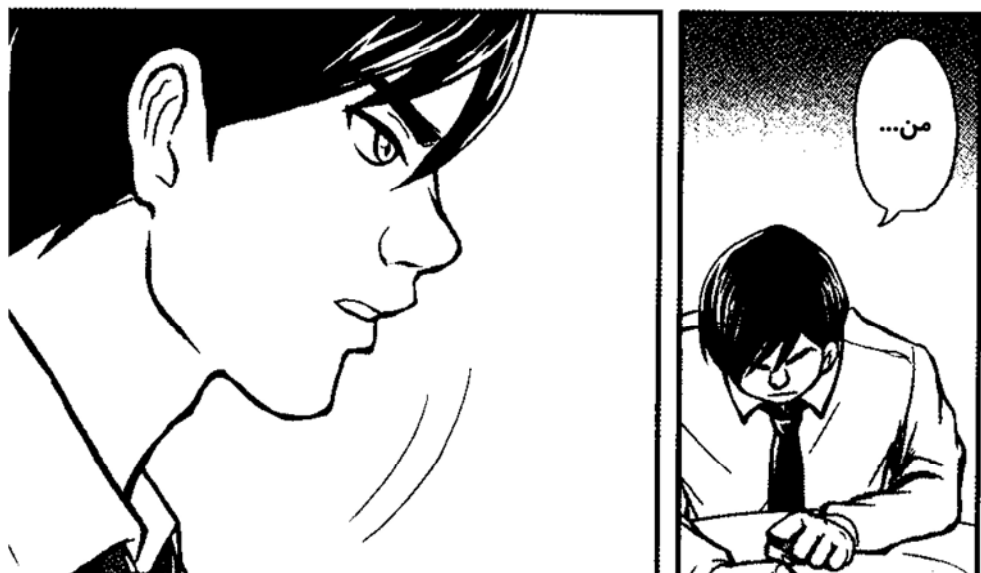






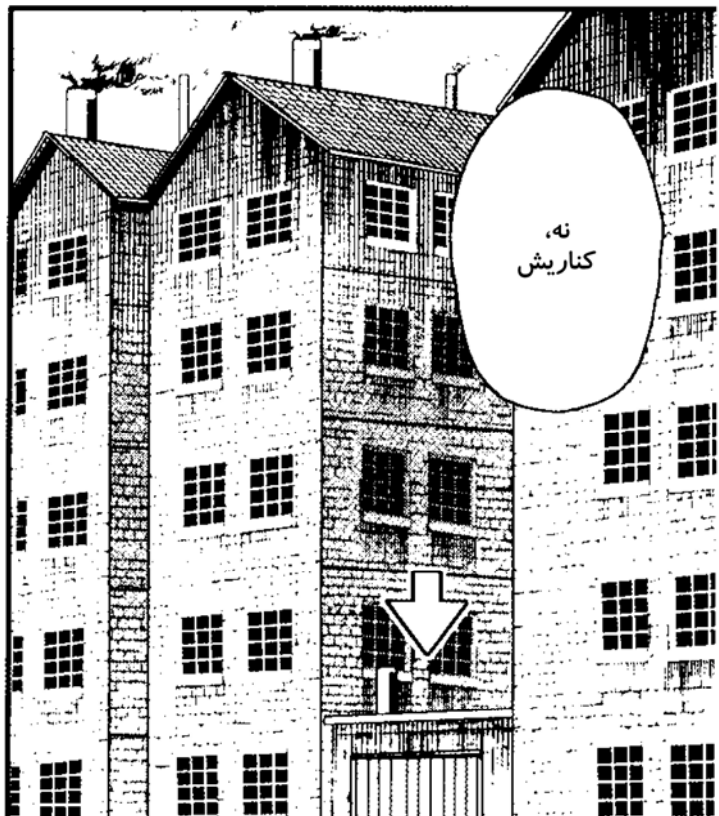
گردش کالا: فرآیند فروش یک کالا و خرید دوباره‌ی کالاهای جدید با پول دریاقتی از کالاهای فروخته شده.



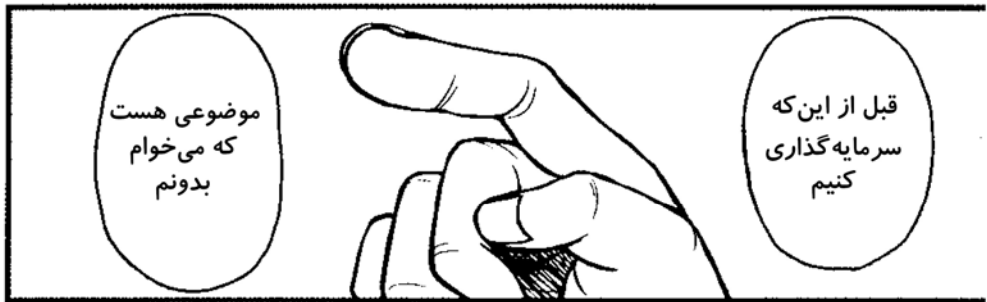










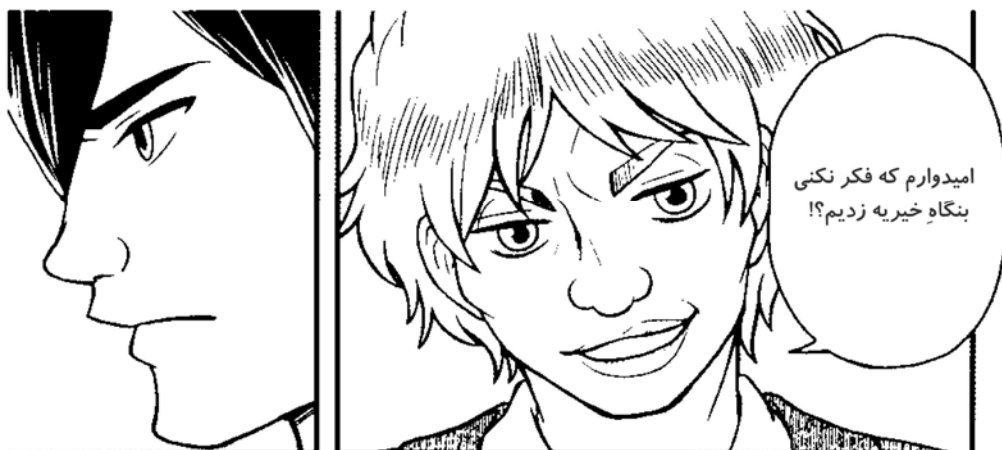




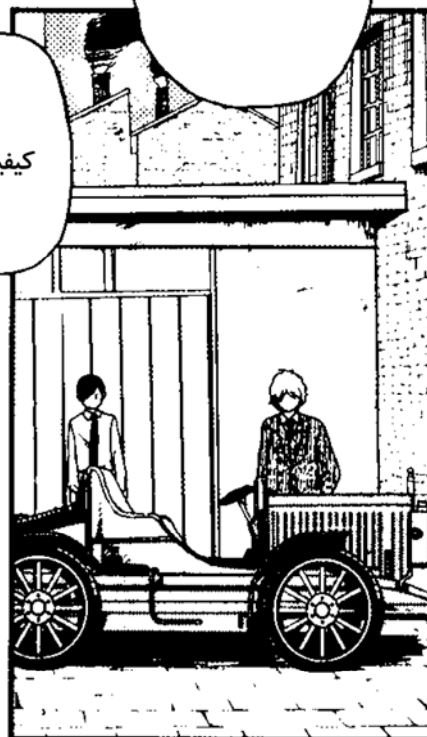
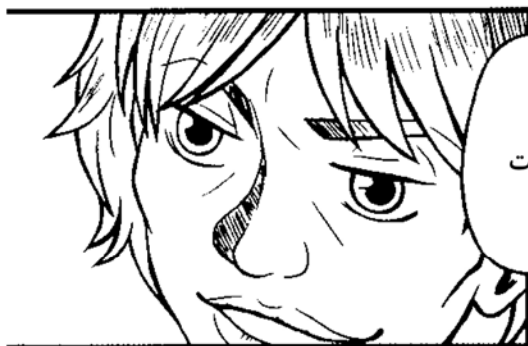
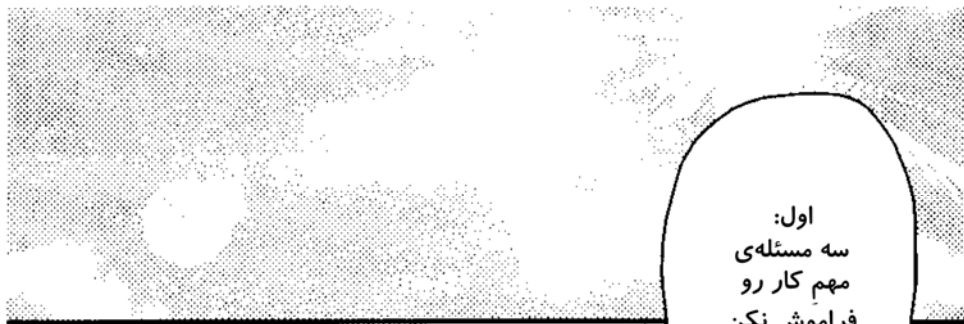
می خواهم  
ثروت مند بشم

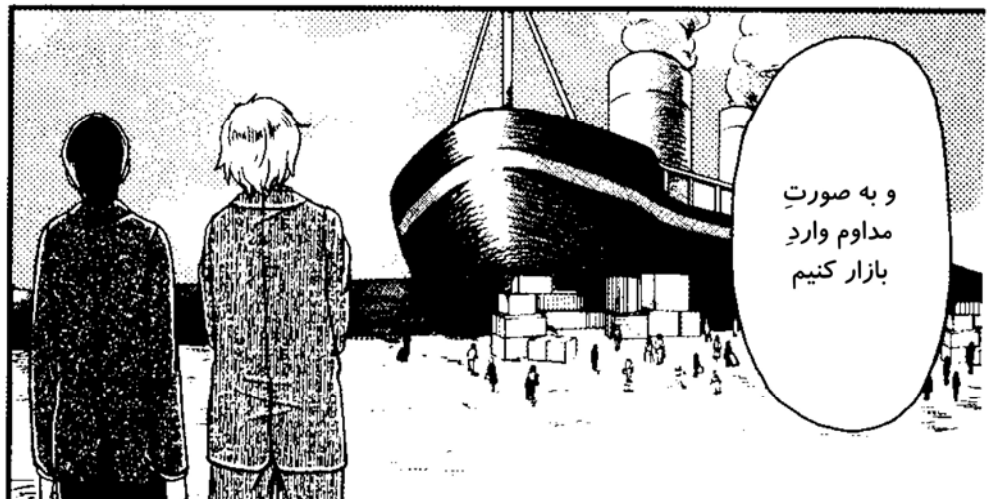
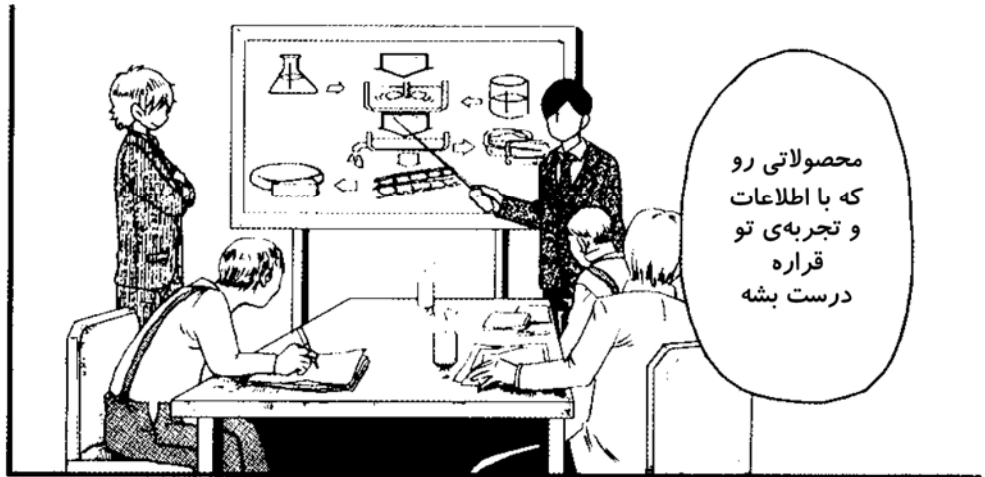








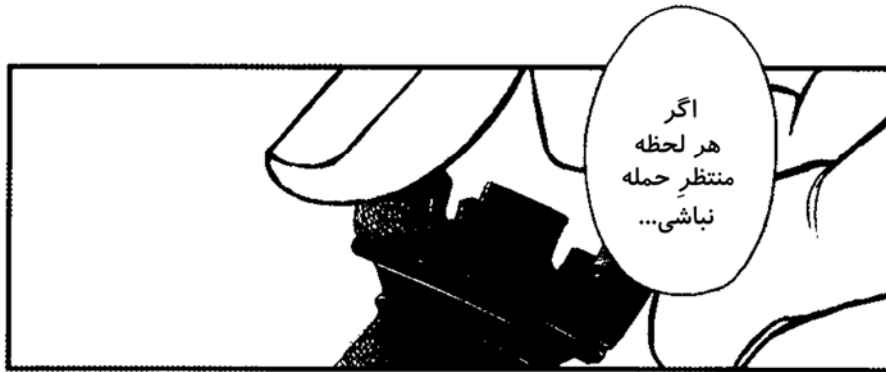






تعدادِ بین  
این سه تارو  
هرگز از  
ذهنت  
بیرون نکن

ذهنیتی که  
تاحالا  
در مورد تولید  
داشتی  
اصلا به درد  
نمی خوره









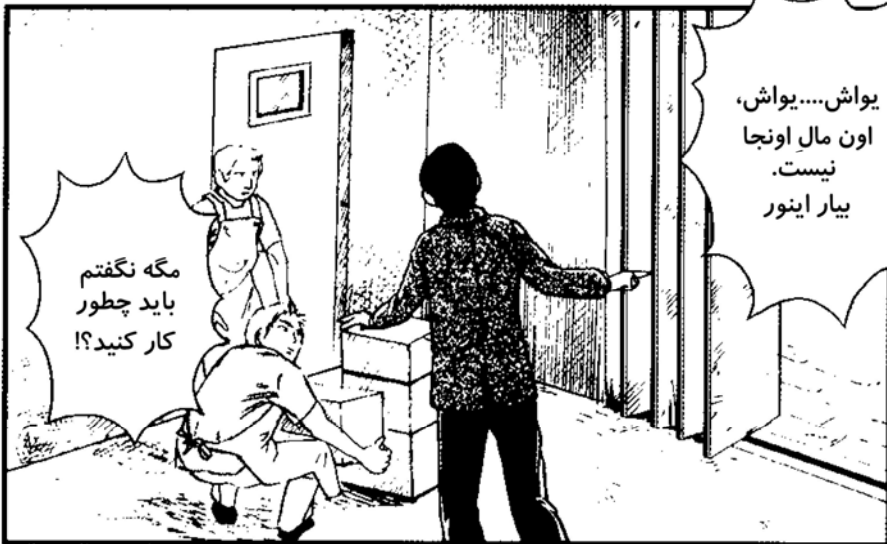
# استثمار

سه ماهه داريد  
کار می کنید  
چرا هنوز این قدر  
کند کار می کنید؟

تازه داريد  
یک کار رو  
سه نفره  
انجام می دید

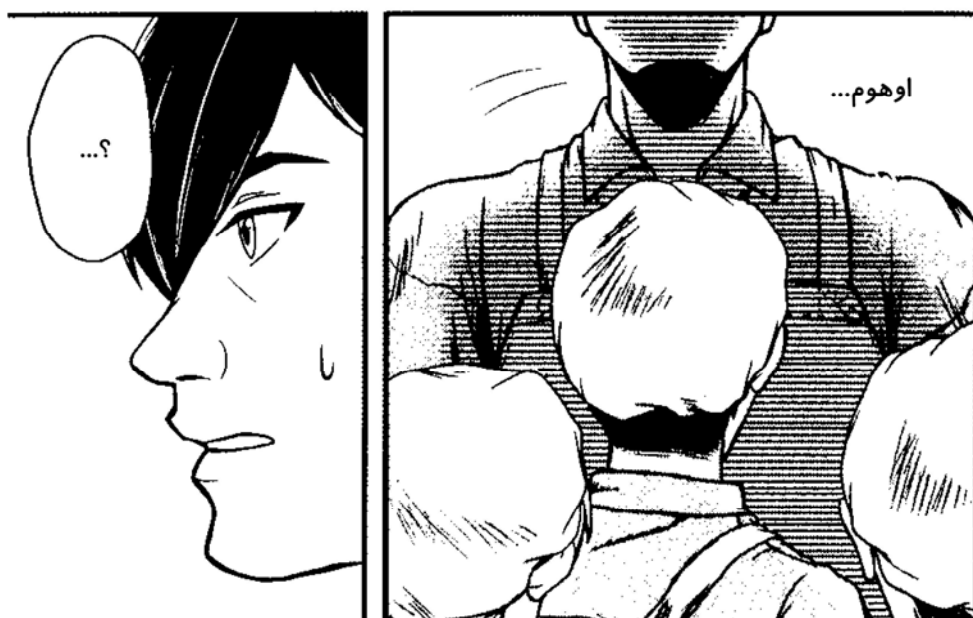
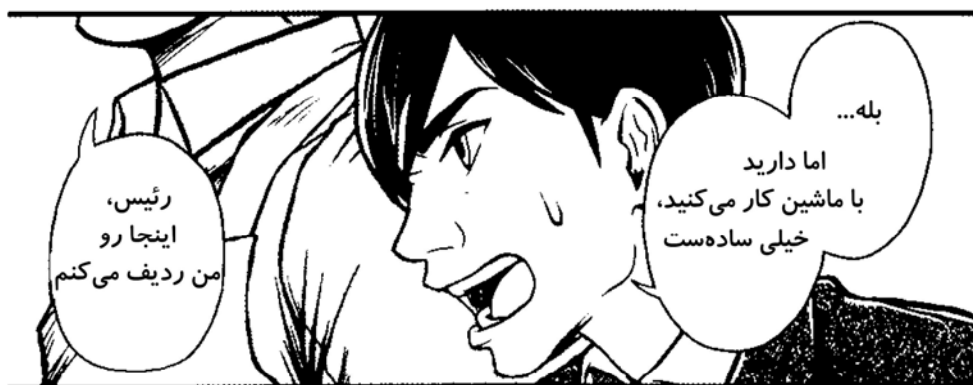


خیلی  
با استعداد  
نیستیم



یوآش.... یوآش،  
اون مال اونجا  
نیست.  
بیار اینور

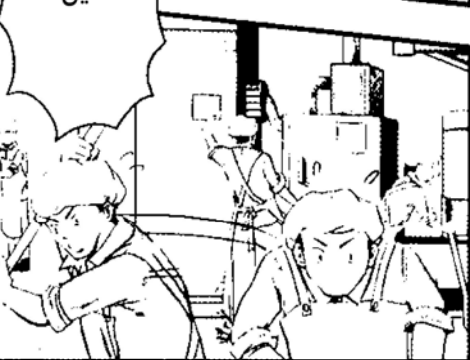
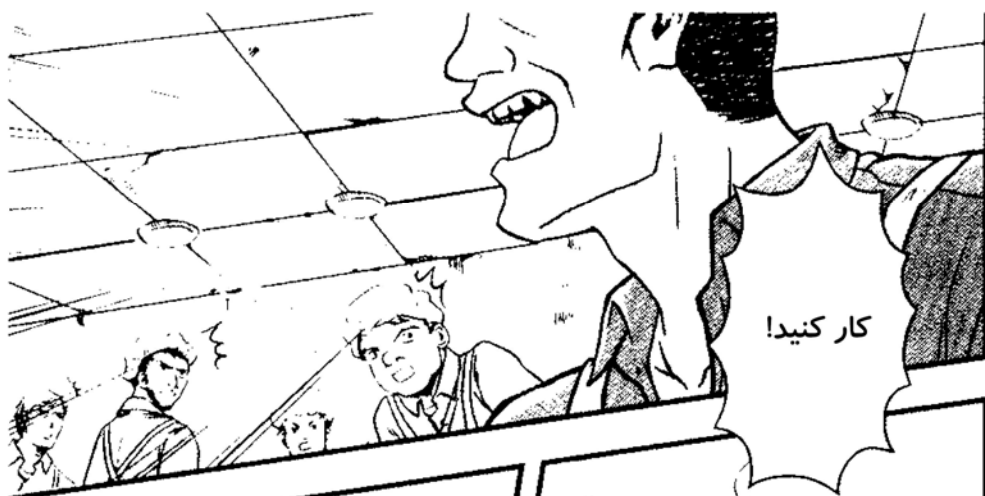
مگه نگفتم  
باید چطور  
کار کنید؟!!

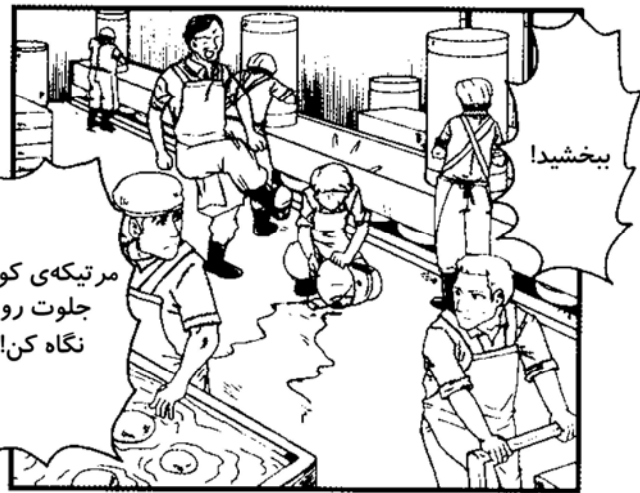
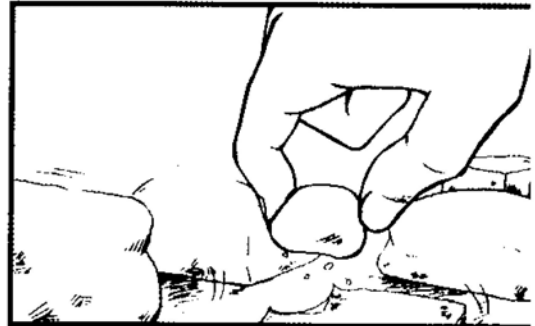
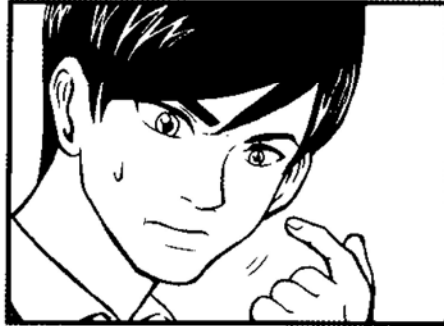






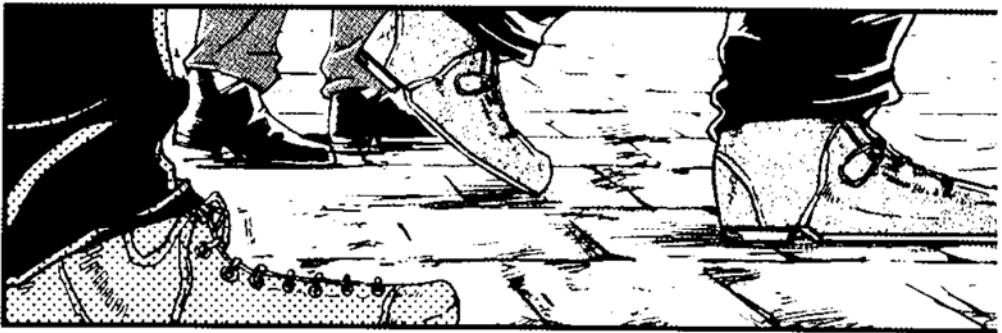
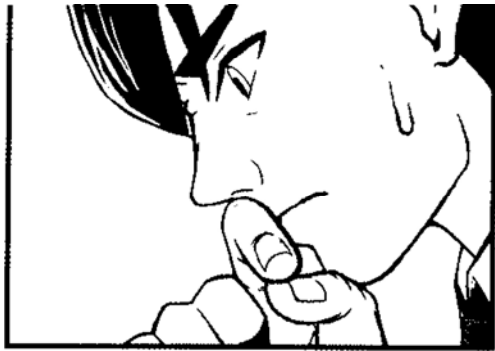


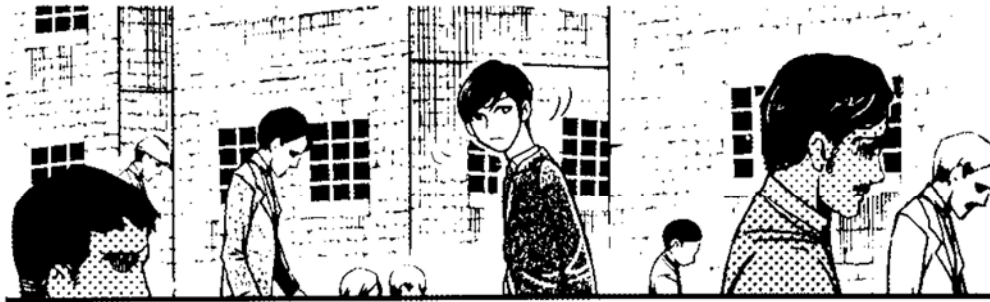


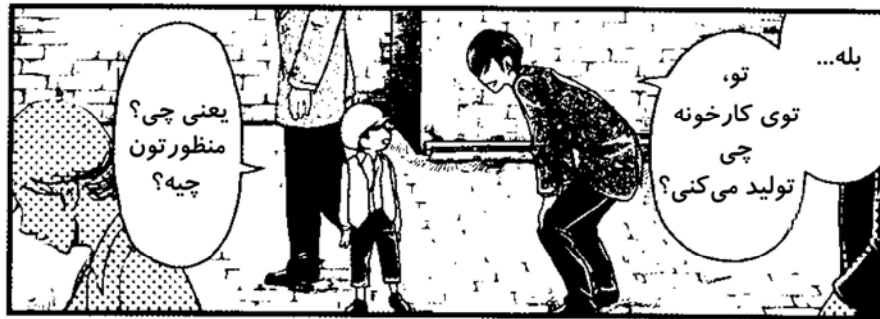


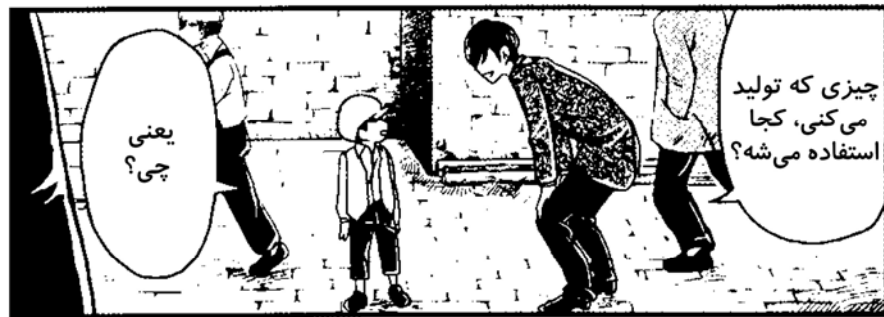






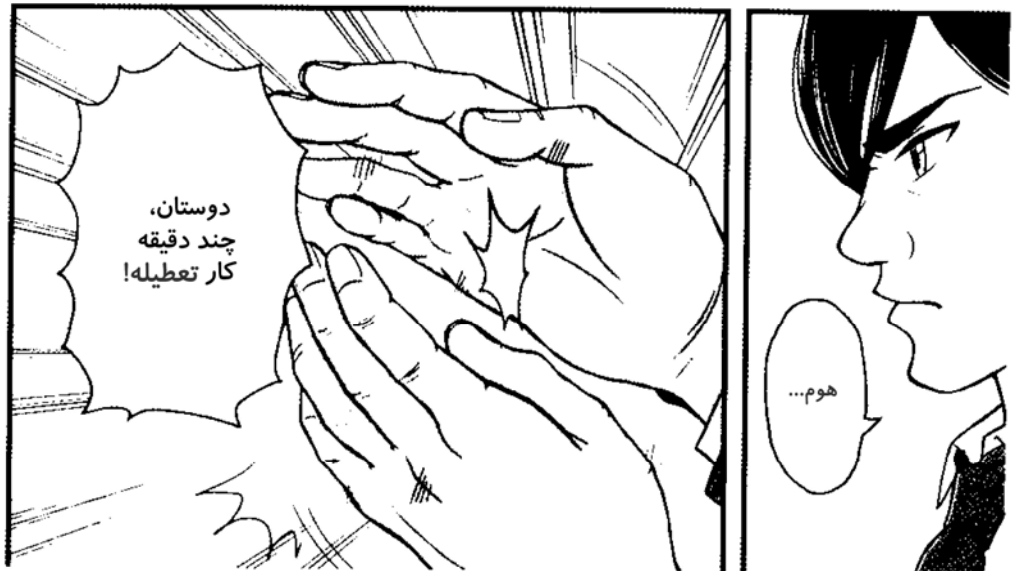


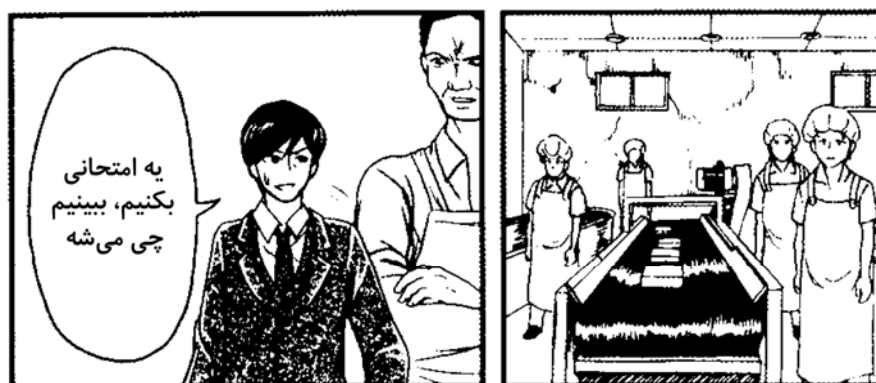




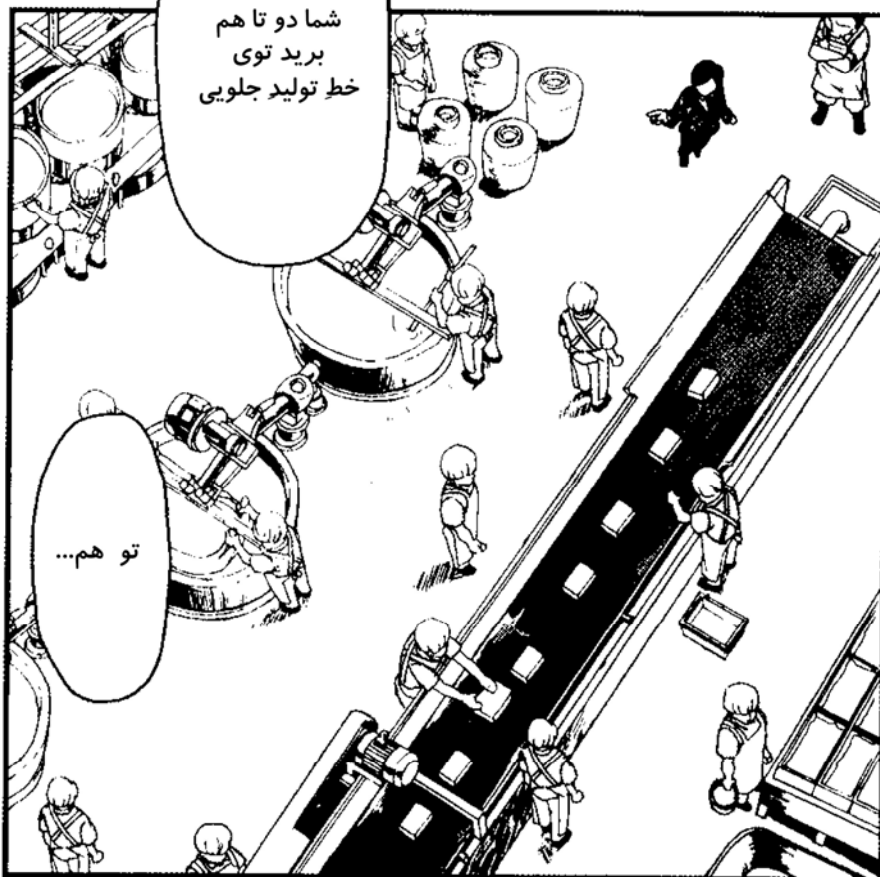
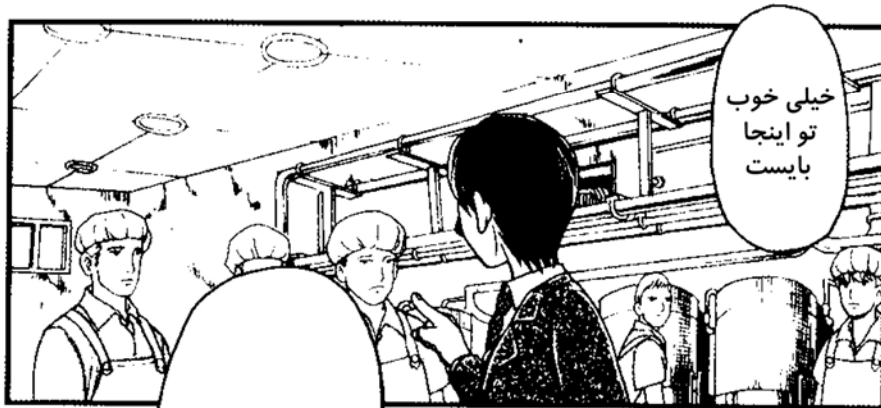


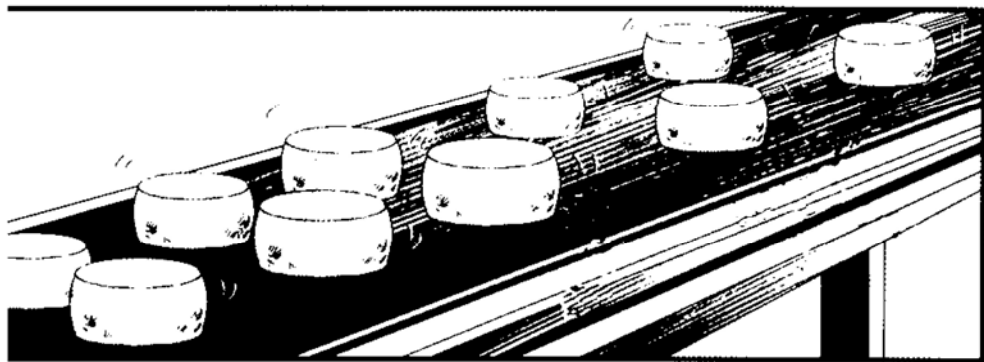
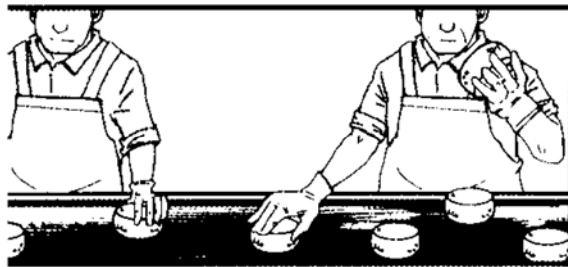




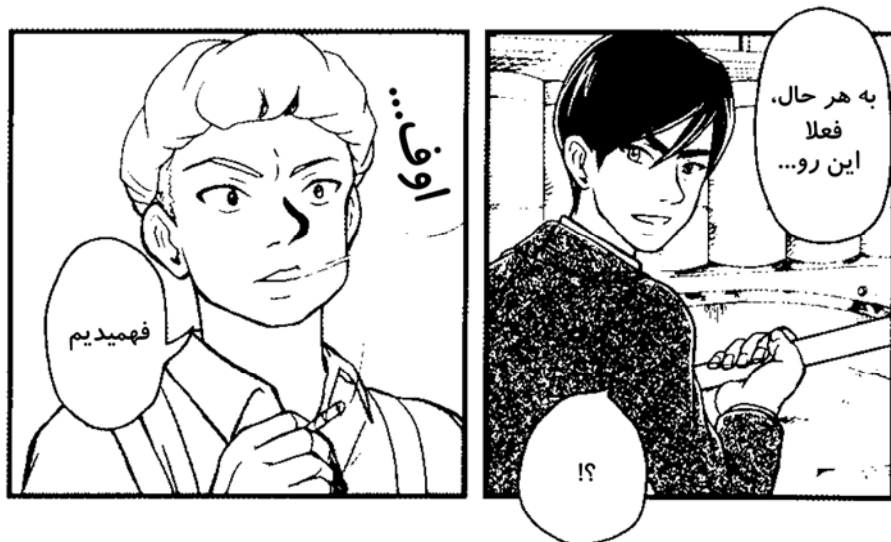




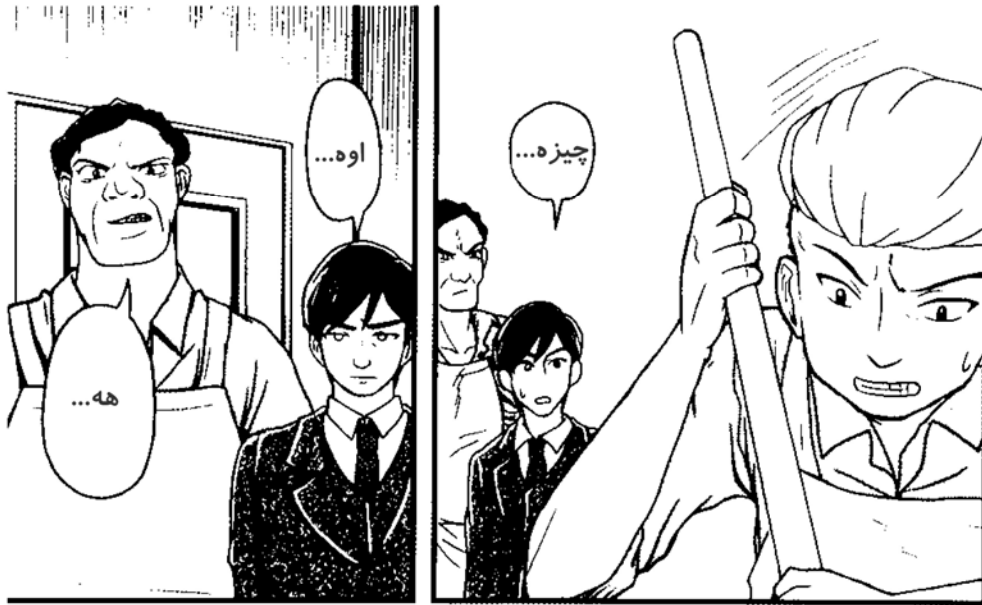


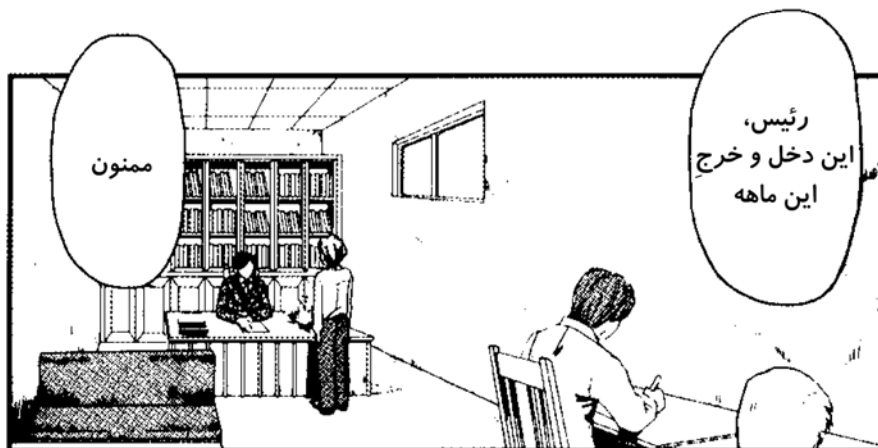














وقتی برداشت  
خوب نباشه،  
بلافاصله مواد غذایی  
گرون می شه

هووم



ب...  
بله

با این حساب  
ضرر می کنیم

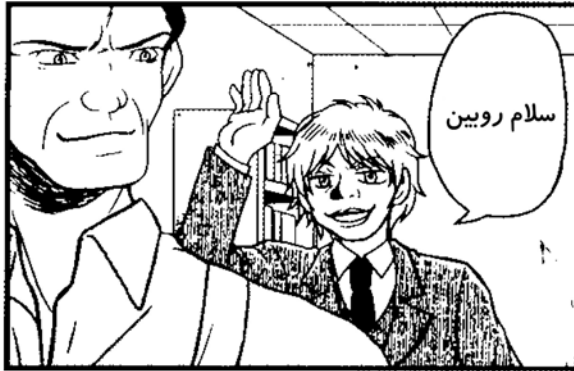


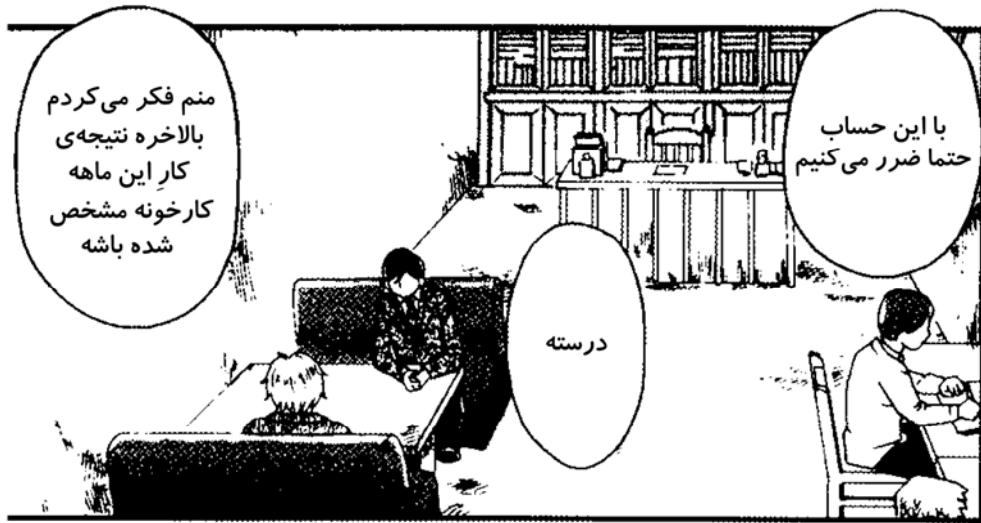
قیت...

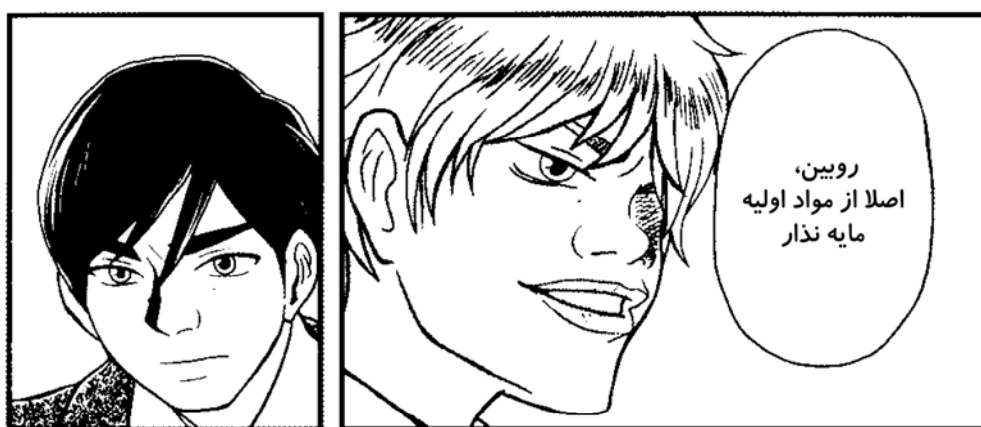
بفرمائید،  
بفرمائید

باید از جایی  
جبرانم کنم...

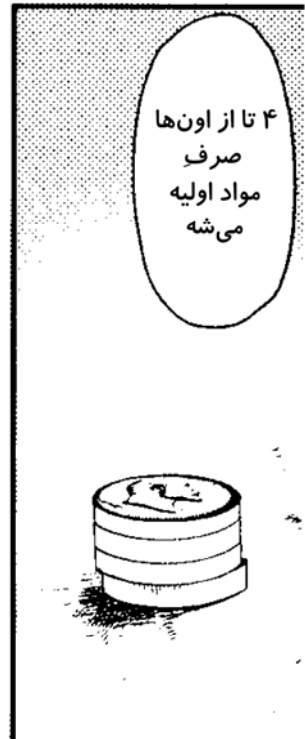
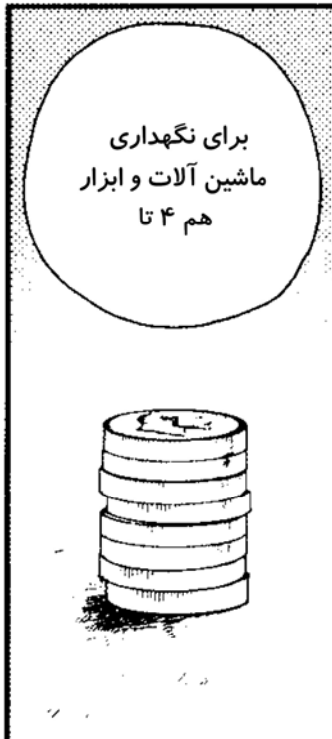
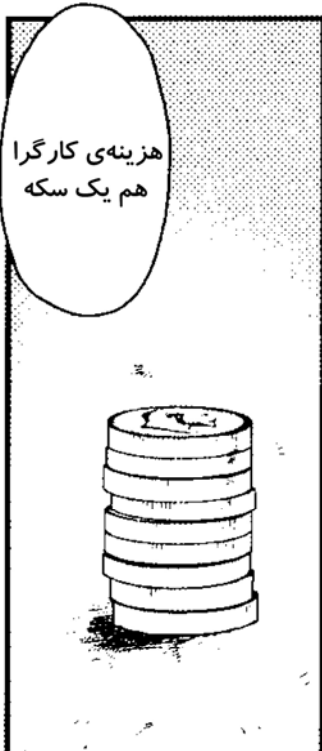
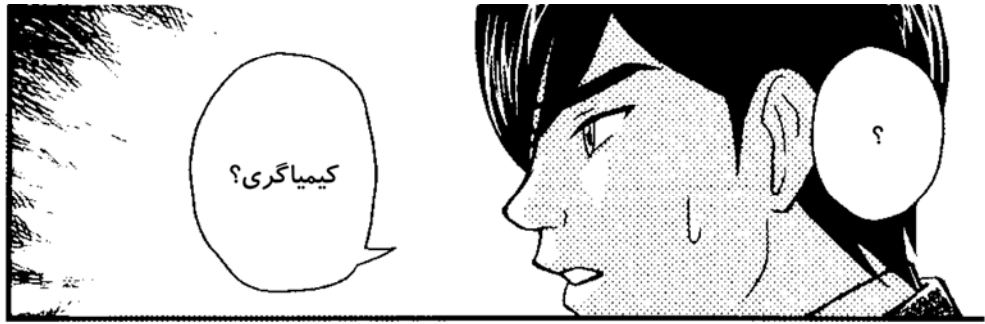


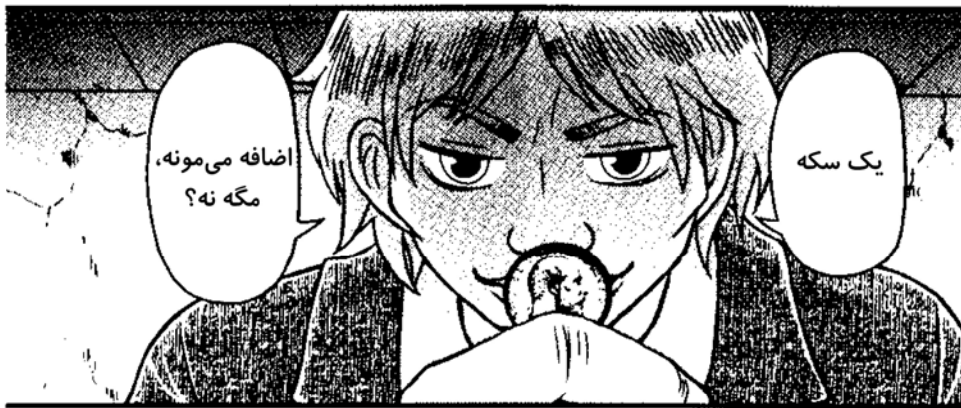
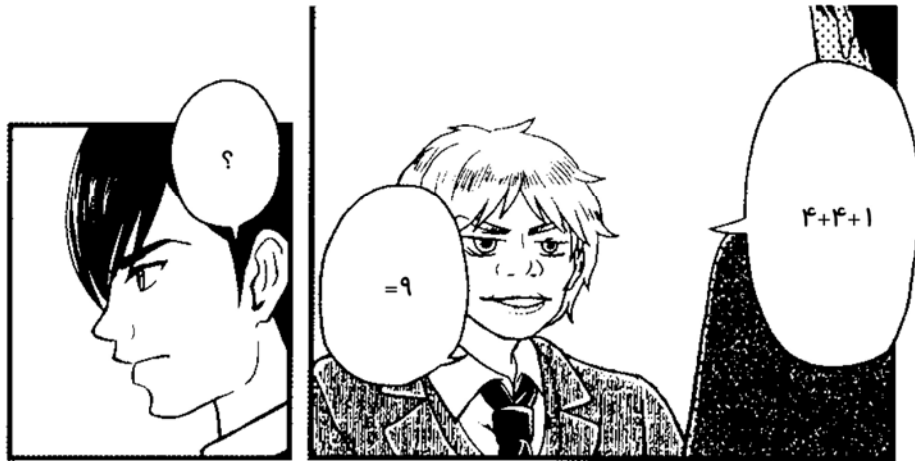




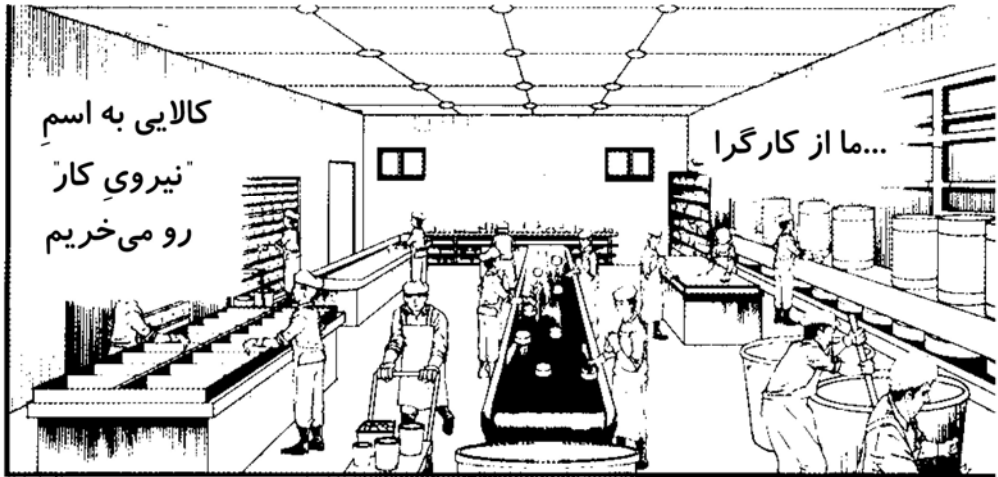








ارزش اضافی: تفاوت بین مقدار ارزشی که به کارگر در مقابل کارش پرداخت می شود با ارزش کلی ای که کارگر تولید می کند یا قسمت پرداخت نشده ای کار کارگر "ارزش اضافی" نامیده می شود.



کالایی به اسم  
"نیروی کار"  
رو می خریم

...ما از کارگرا



قیمتی که ما می خواهیم  
برای نیروی کارشون  
پیردازیم (مزد)  
به اندازه ای ست که  
کارگرا بتونن  
سر یا بمونن

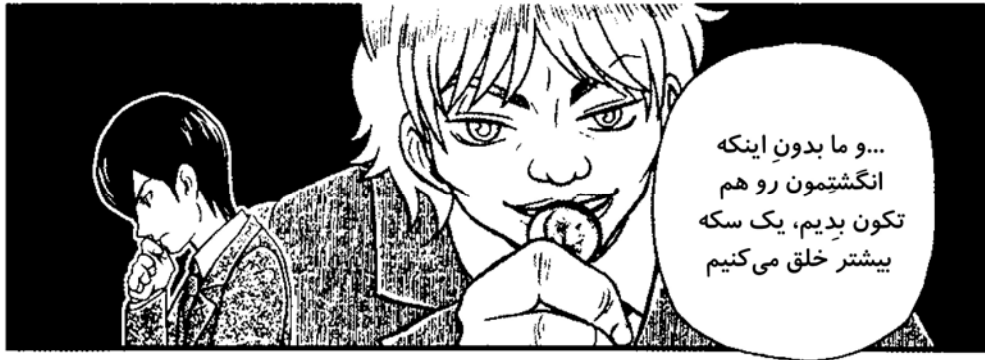
ارزش واقعی این  
"کالا" به نسبت این که  
چطور از اون  
استفاده کنی،  
تغییر می کنه



یعنی کارگرا برای  
گرفتن یک سکه باید  
به اندازه ای دو سکه  
کار کنن.  
به این شکل...

در واقع، ما در برابر  
این کالا به جای  
دو سکه، یک سکه  
پرداخت می کنیم

استثمار: دست بردن به قسمتی از تولید کارگر بدون پرداخت ارزش واقعی آن.









مادر بزرگ  
هلن



هلن...

نه، منظورم  
این نبود



چون  
پول ندارن



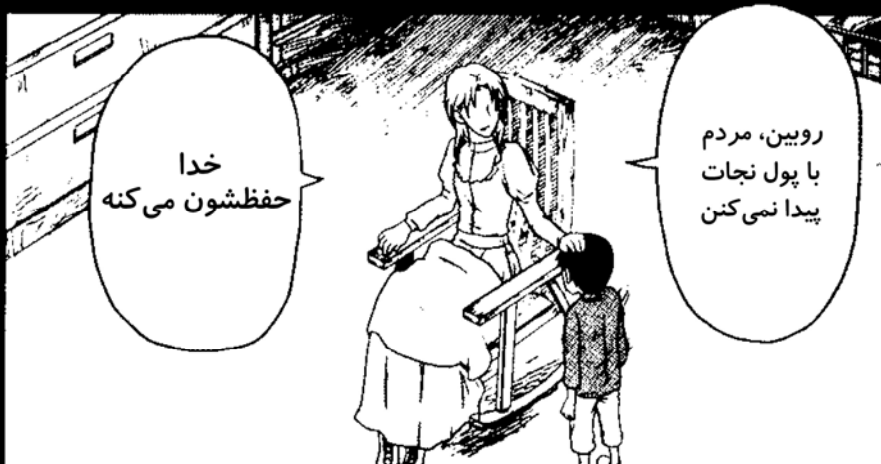
داره می میره...

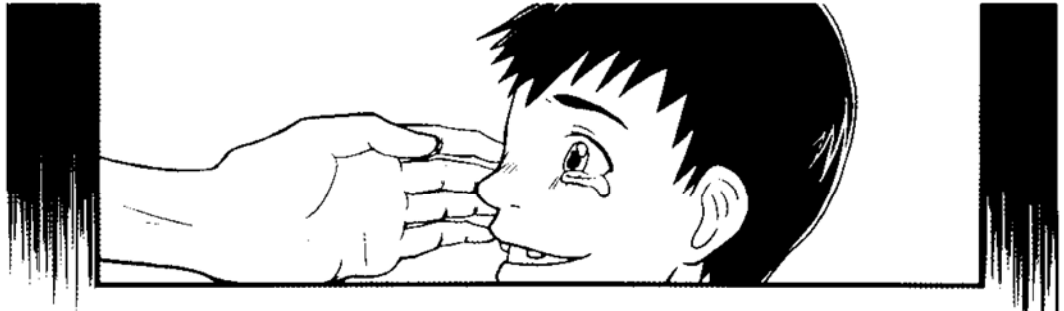
.....

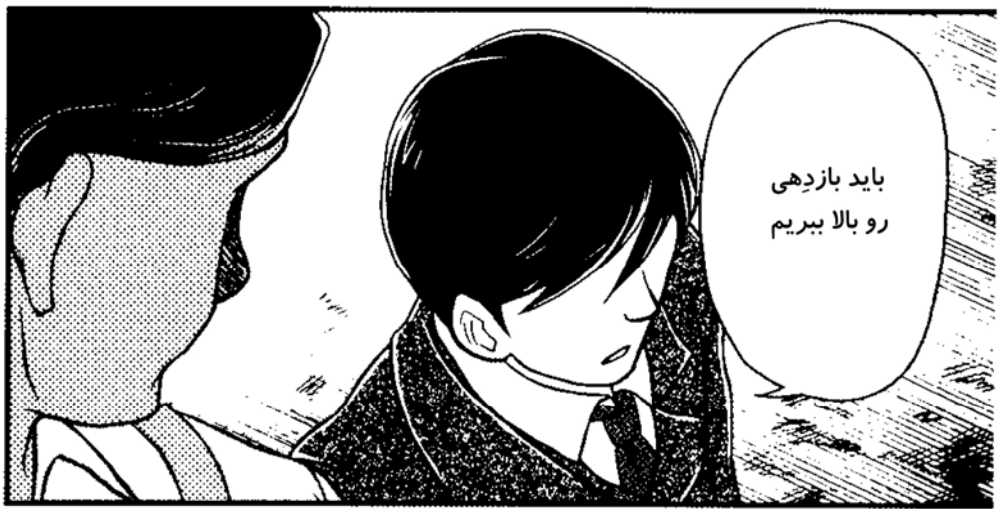
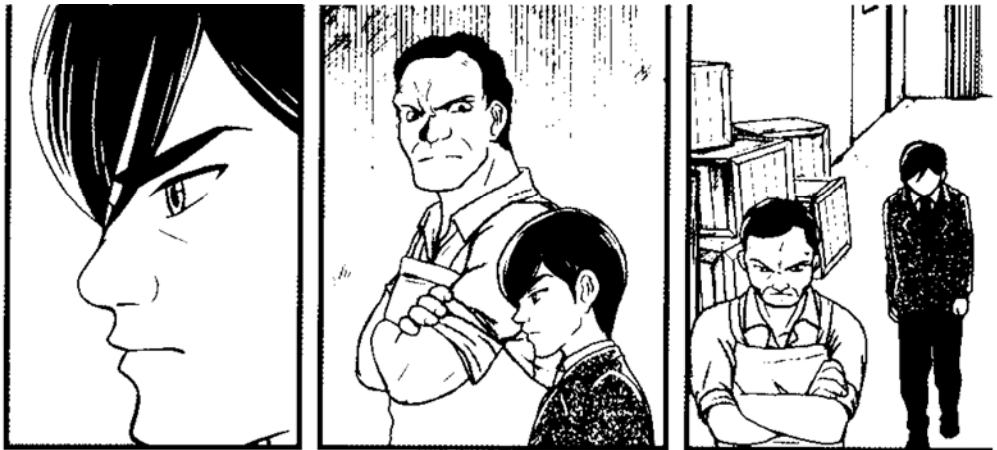


روبین...

.....





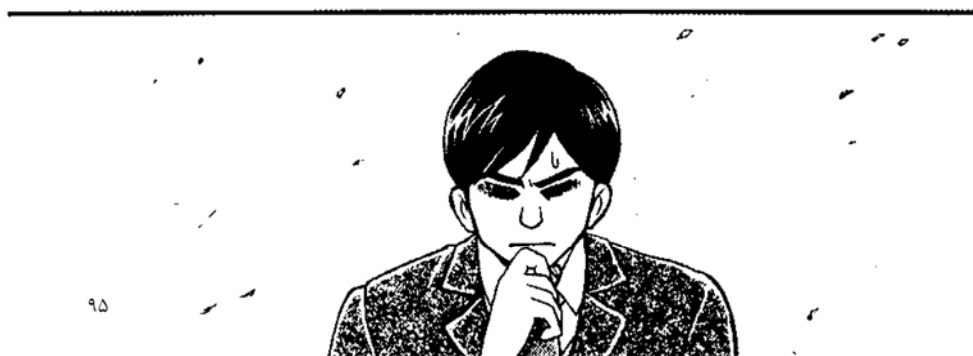






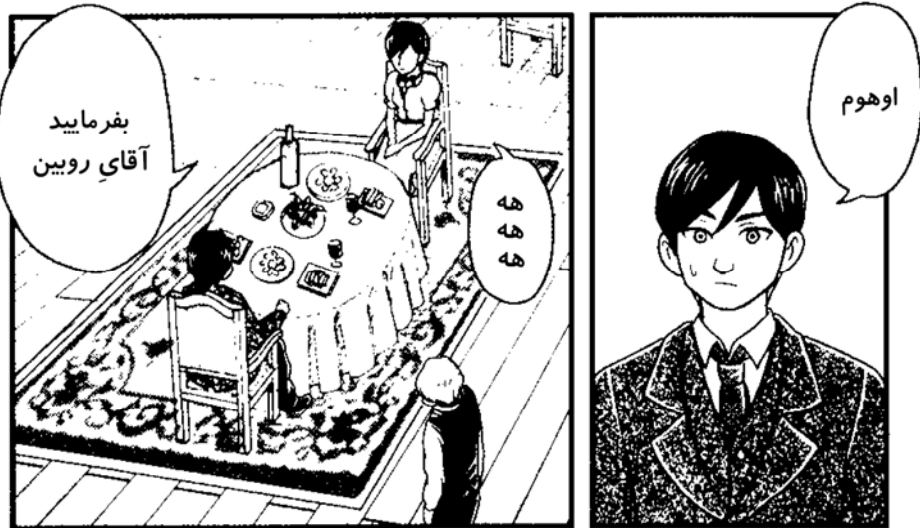
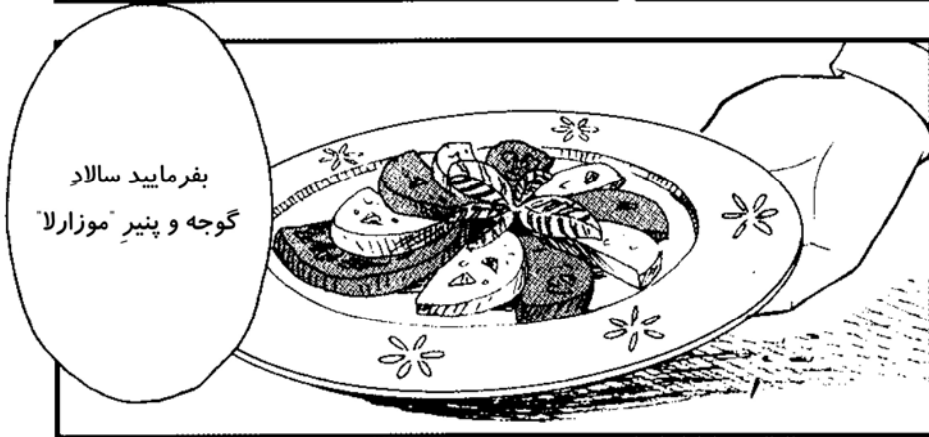
پدرم،  
هین،  
هرکس...  
کافیه که پول باشه

هم مادرم،  
هم مادربزرگ  
هین

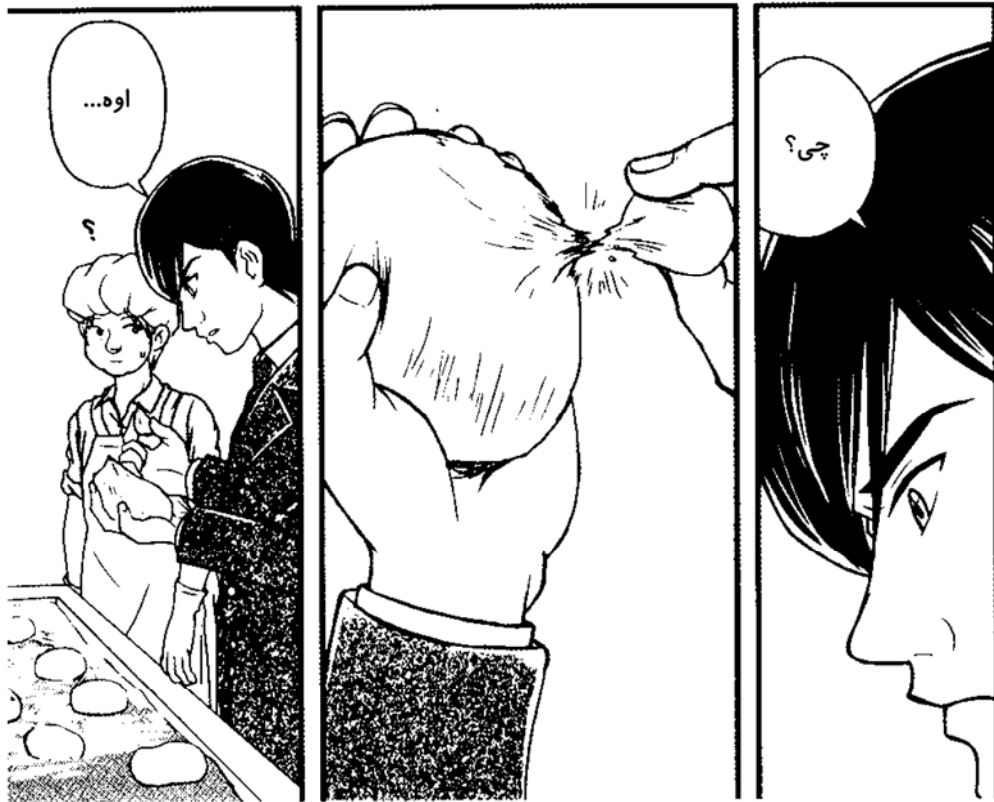


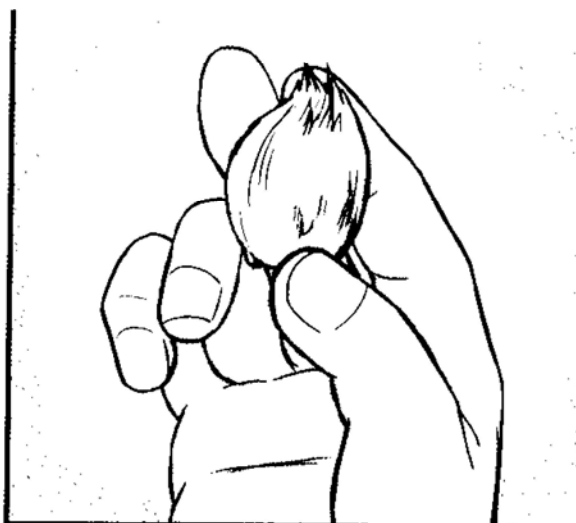


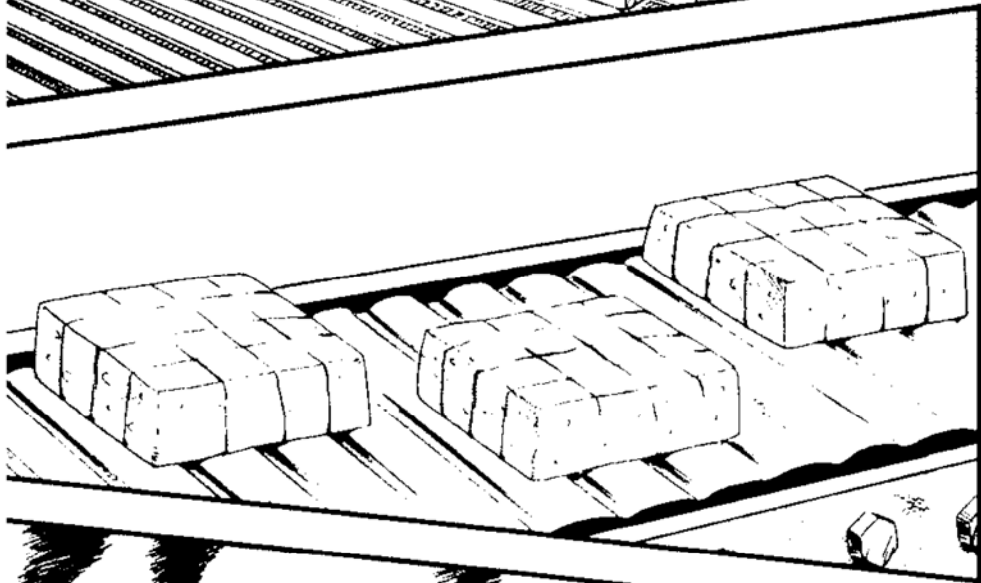
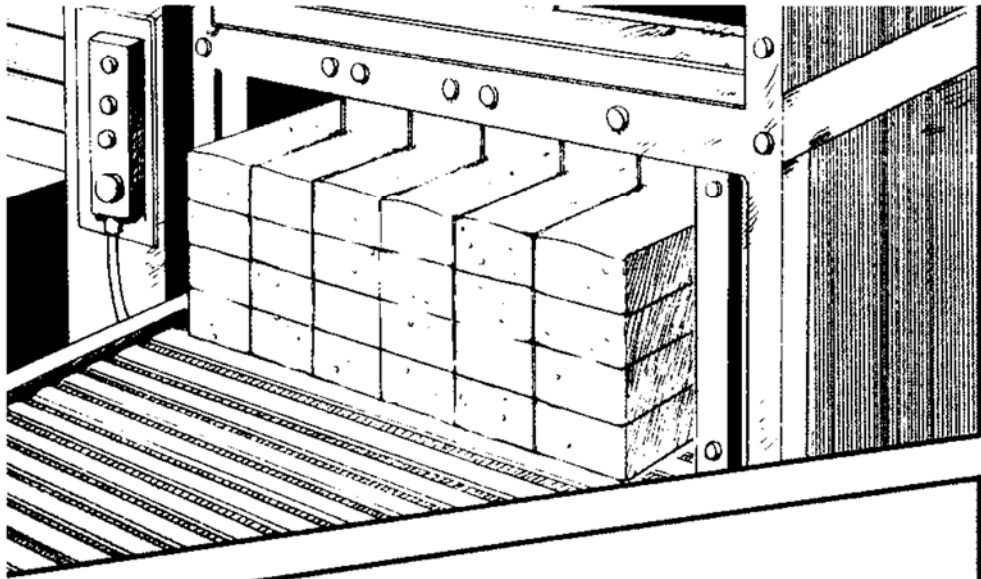




















خرید  
"نیروی کار"

آره، باید این طور  
باشه...  
مغازه‌ی قبلی رو هم  
برای پول درآوردن  
تاسیس کرده بودم



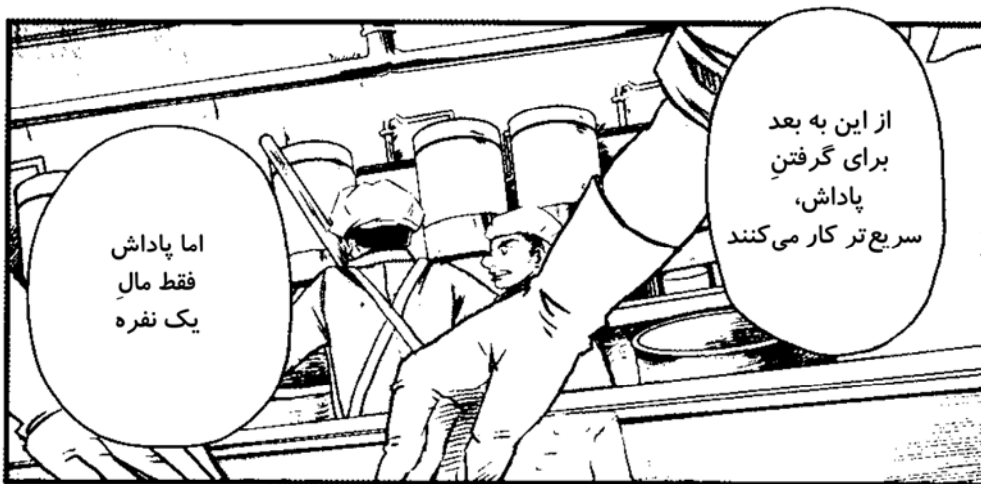
حالا که این شانس  
به من رو کرده  
نباید به مسائل دیگه  
اهمیت بدم

قدم به قدم  
جلو می‌رم













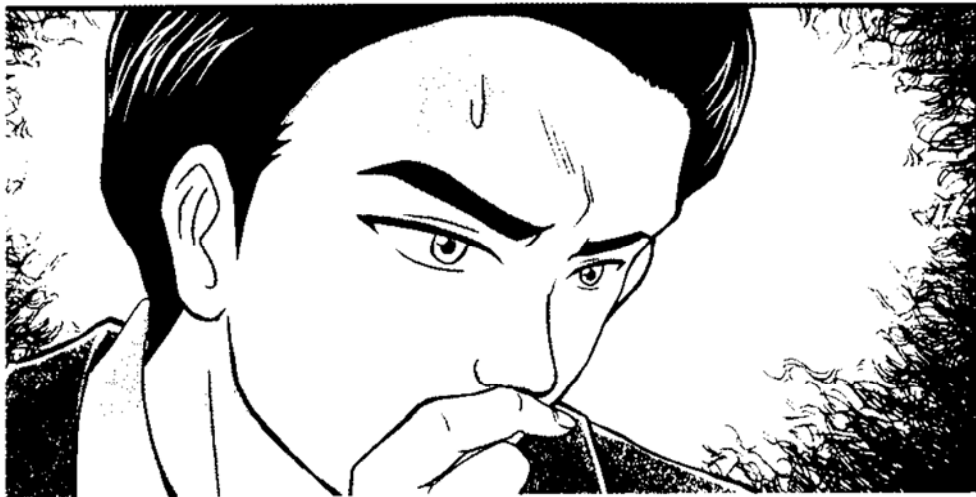
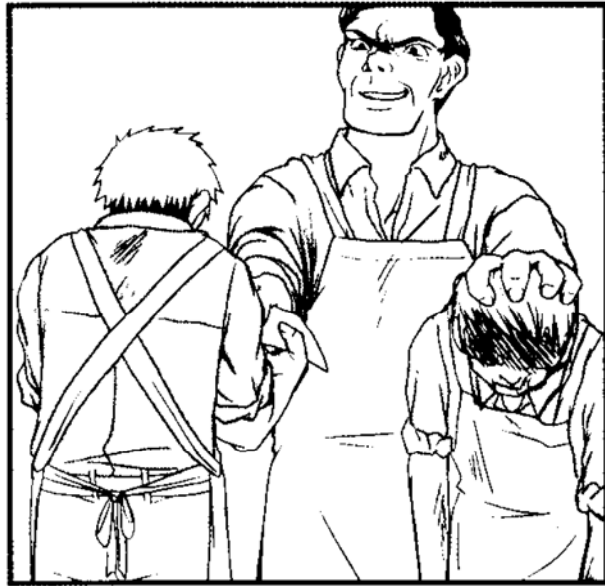
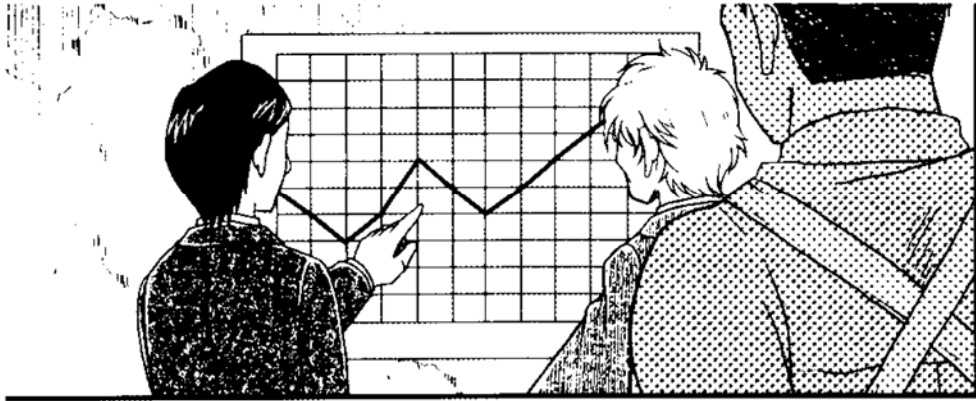
آهای یی  
سریع تر  
باشید!



معطل  
نکنید

سریع تر!

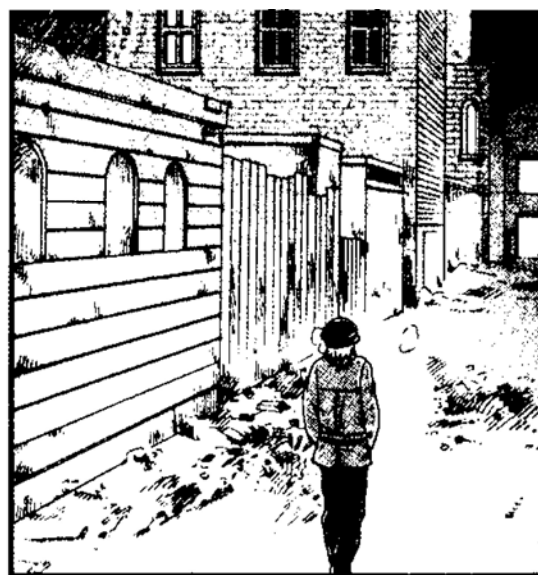












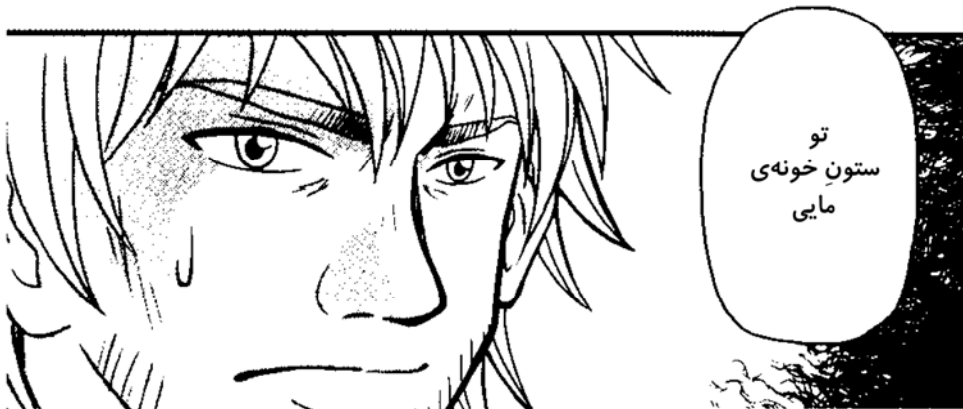


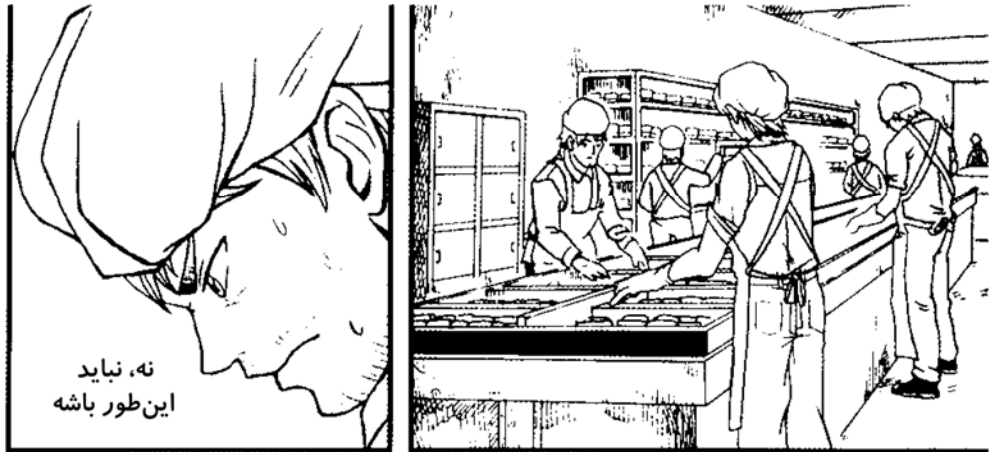
پنیر کار خونه ای  
خود تونه،  
چون آرزونه،  
اینجاها  
خیلی طرفدار داره



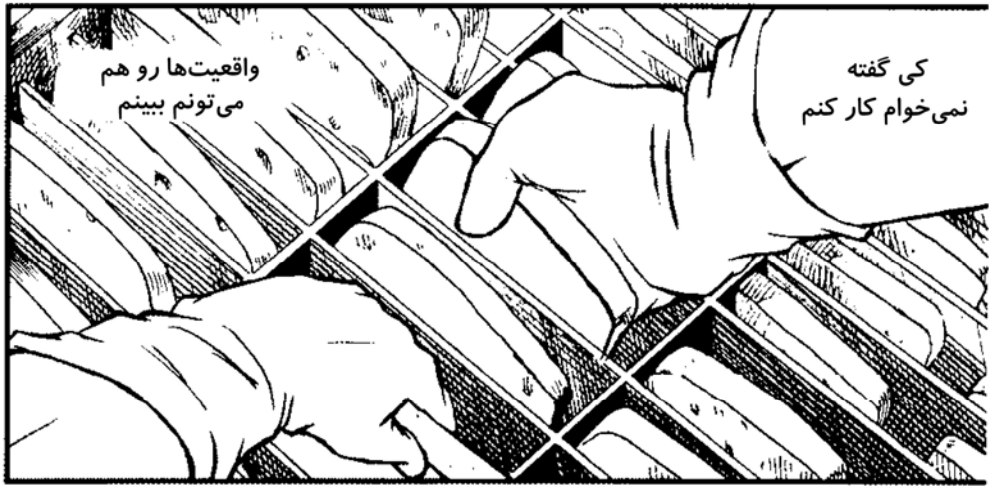
بازم  
نون و پنیر...  
دیگه نمی خوام  
پنیر ببینم







نه، نباید  
این طور باشه



کی گفته  
نمی خوام کار کنم

واقعیت ها رو هم  
می توئم بینم



دقیقا به  
خاطر خوب دیدن  
این واقعیت هاست  
که...

...می فهمم بعضی  
چیزها درست  
نیست

اوهوا!

اوهوا!



خودت رو  
جمع و جور کن!  
کارت رو بکن

تقی...!

آخ...!



مرتیکه‌ی آشغال،  
میکروبا‌ی کثیف  
رو اینجا  
پخش نکن

اوهوه...!  
ببخشید  
معذرت می‌خوام



اوهوه...!

.....

تقی...

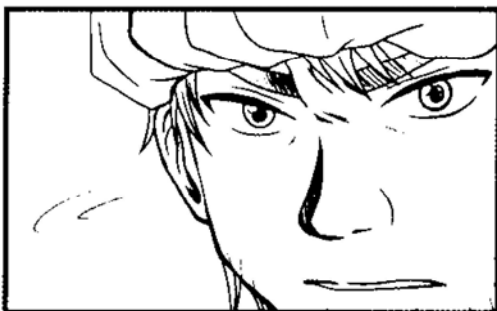


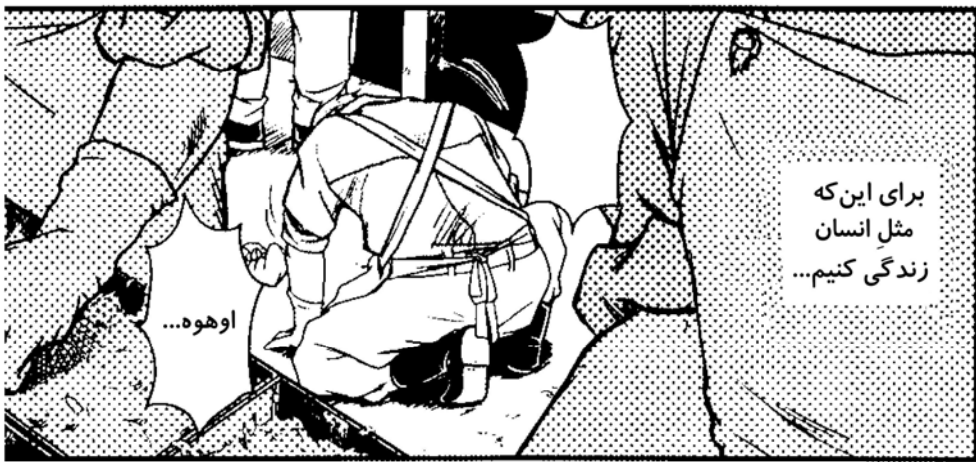
\*!#!\*

این حالت رو،  
جا میاره

.....







برای این که  
مثل انسان  
زندگی کنیم...



برای این که  
مثل انسان  
زندگی کنیم...

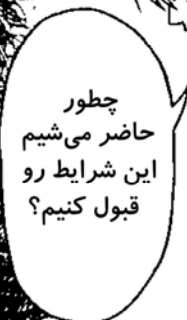
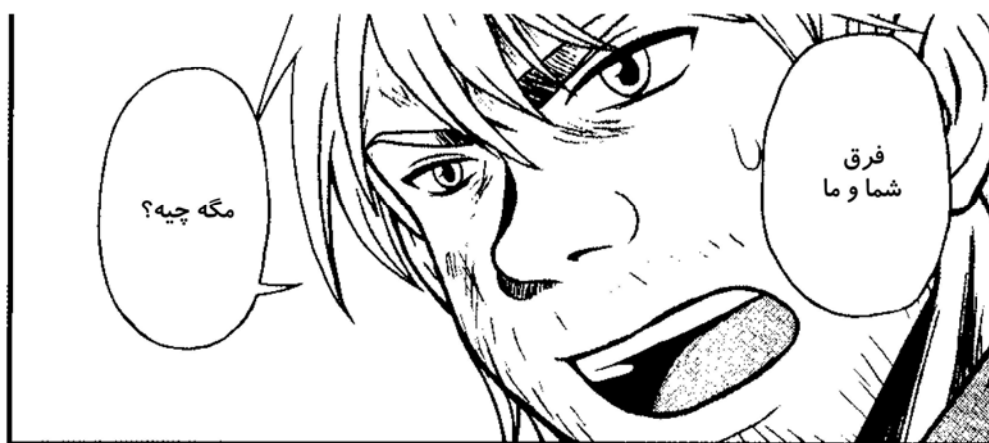
هه...









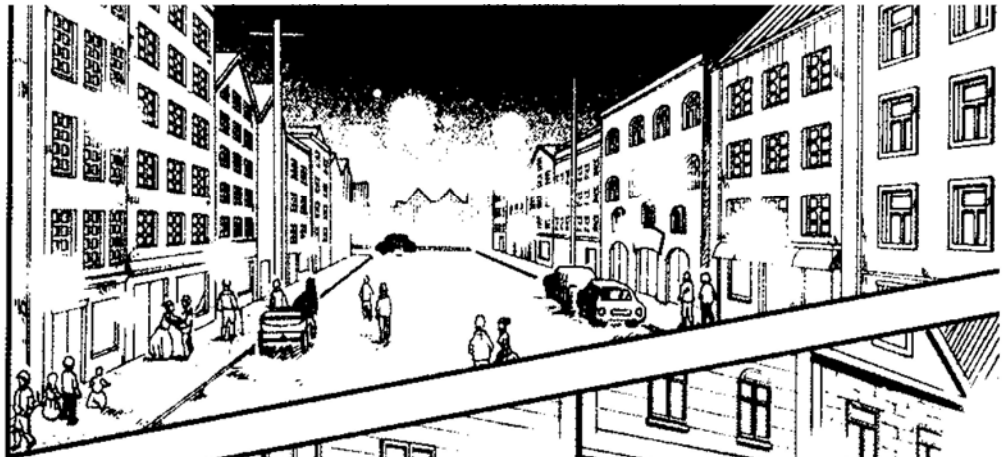


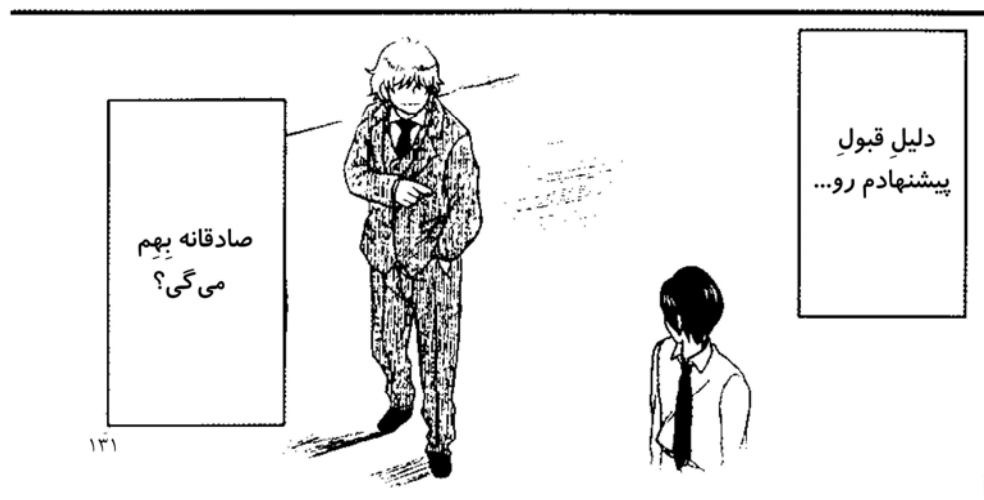




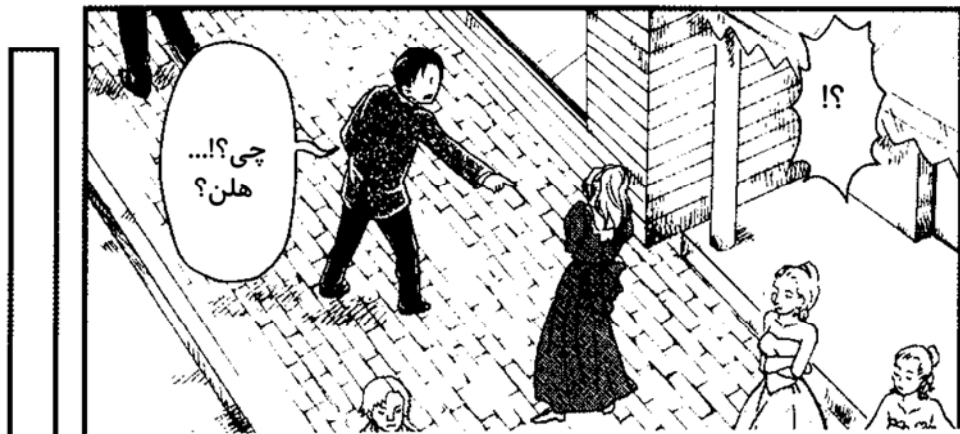
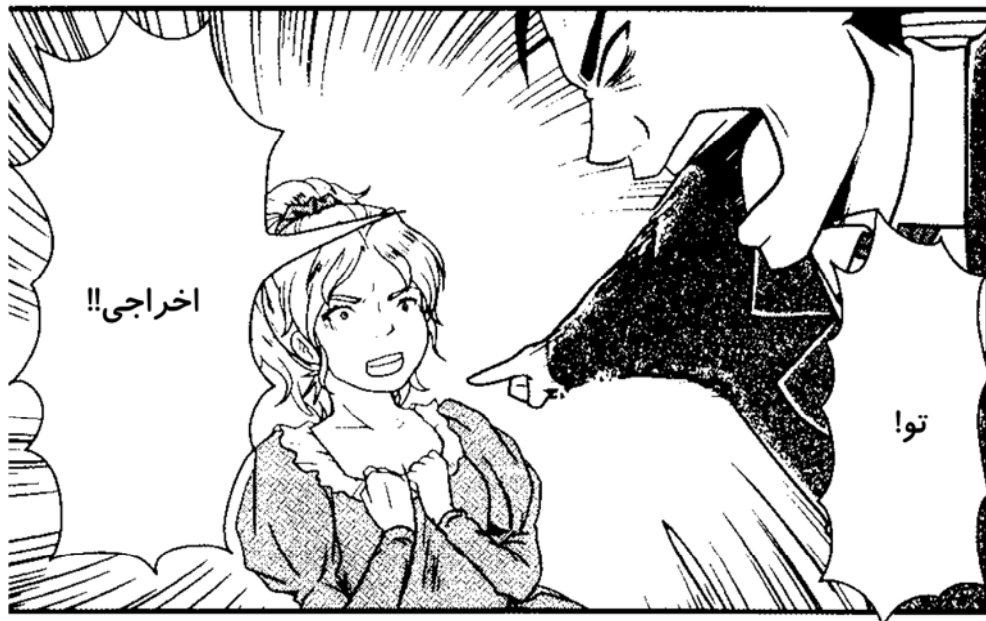


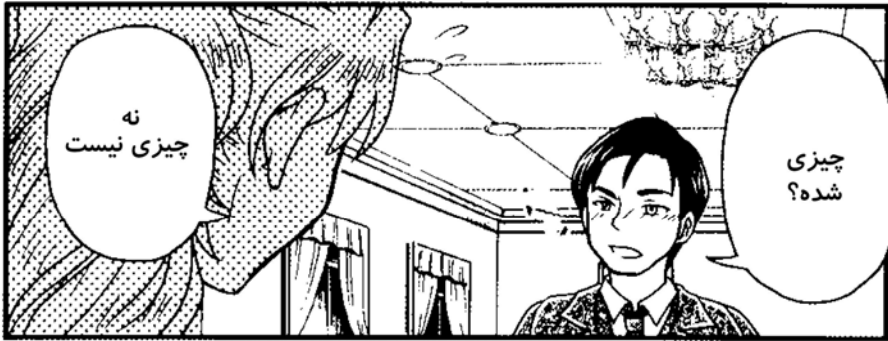








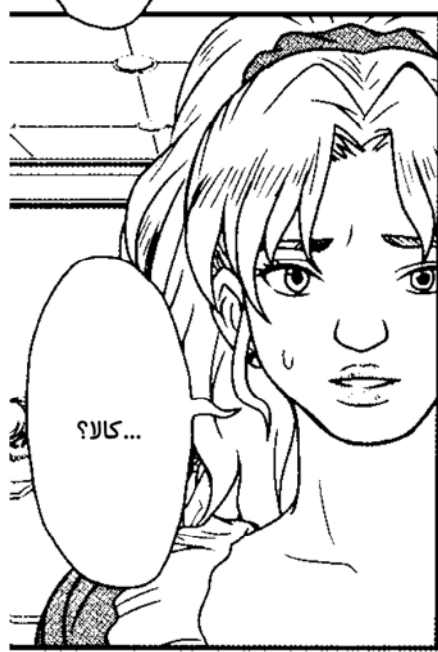


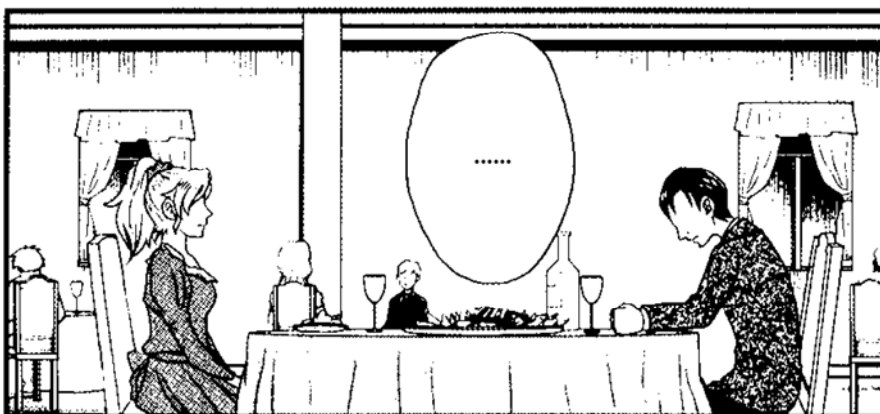




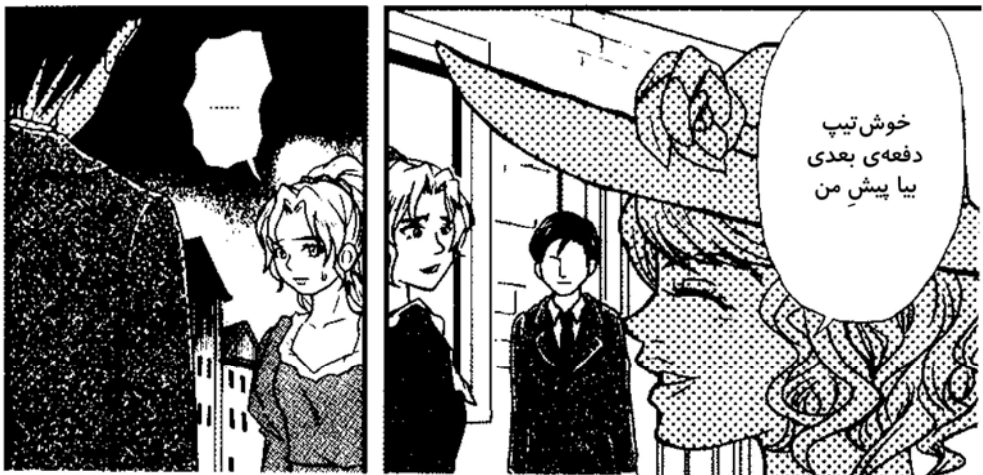






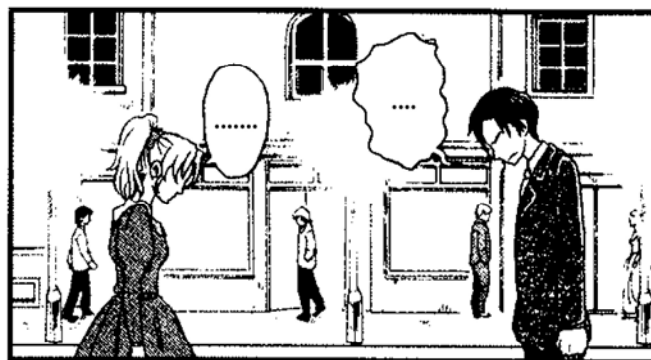




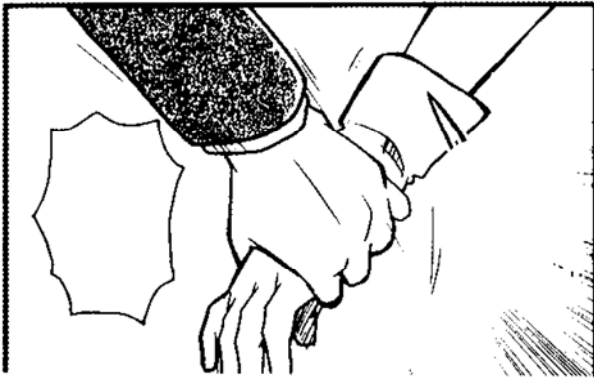




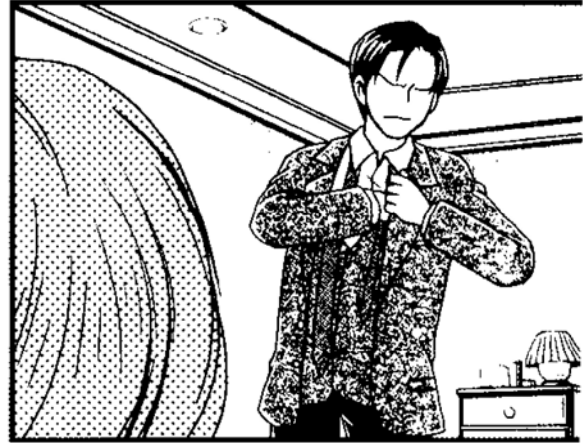
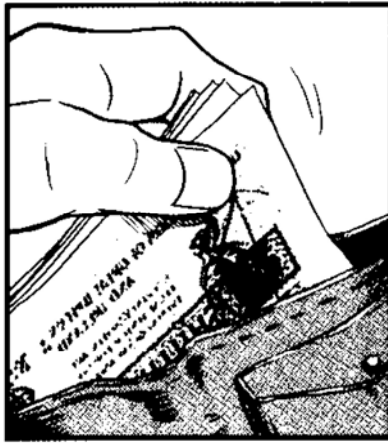


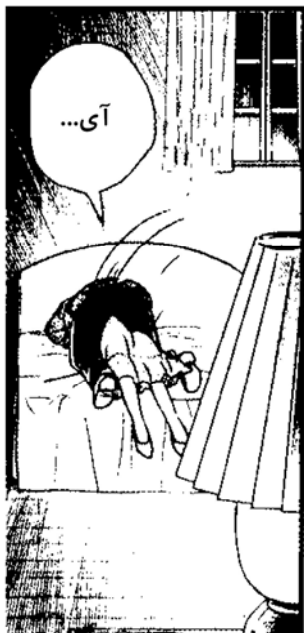
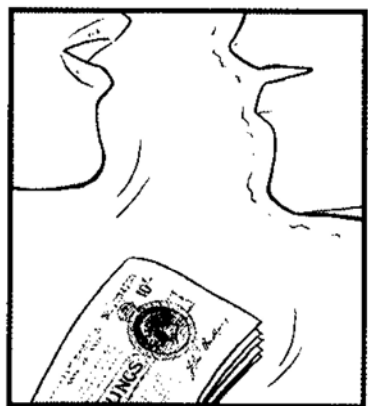
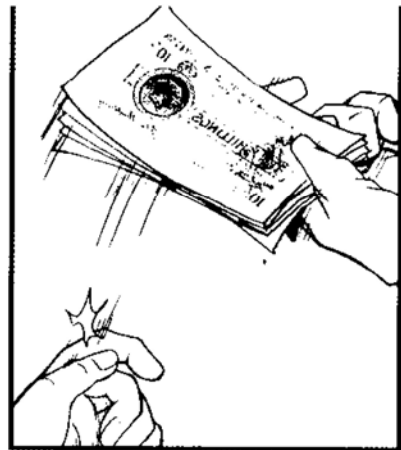
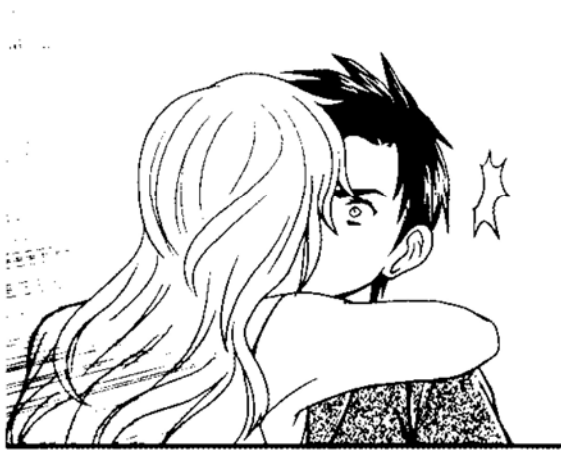


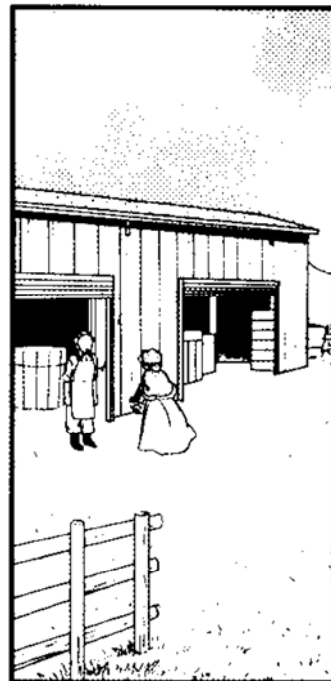
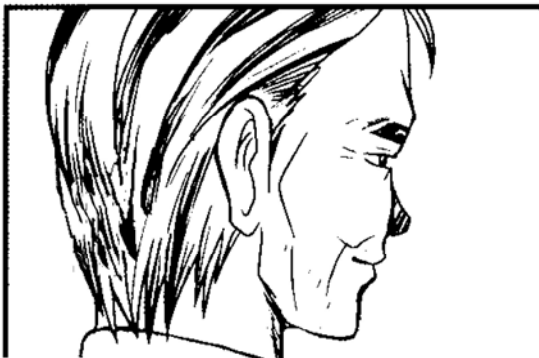


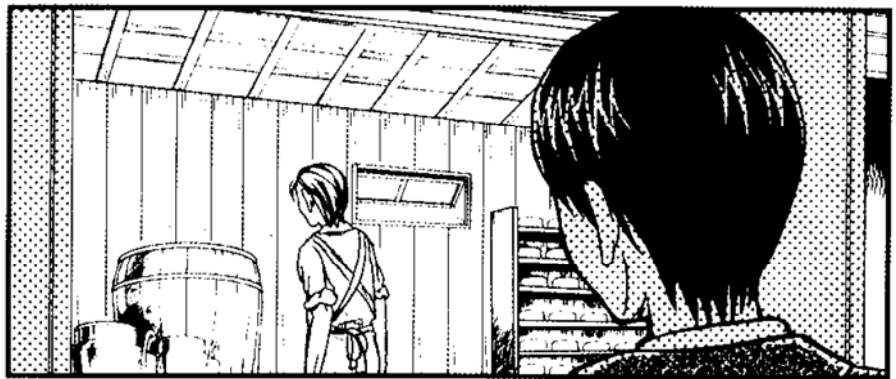
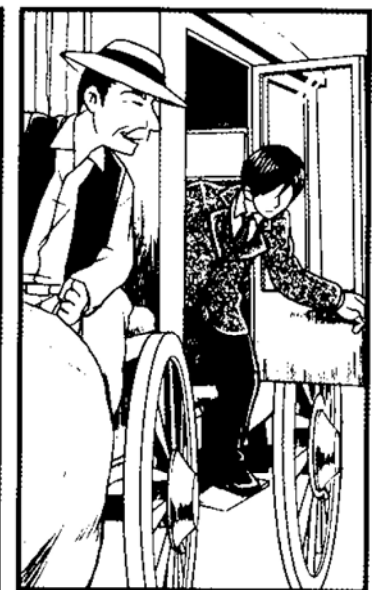
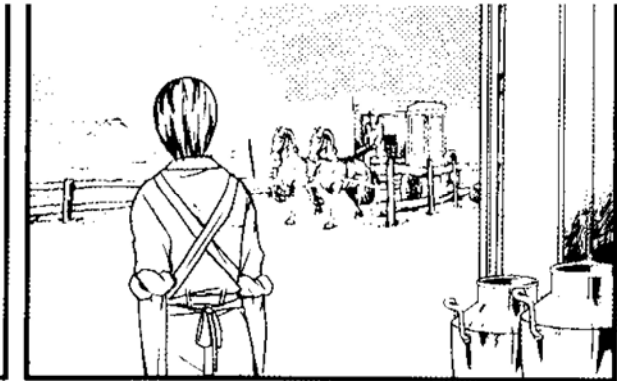


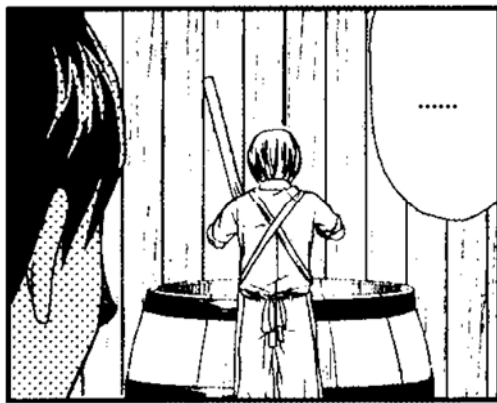










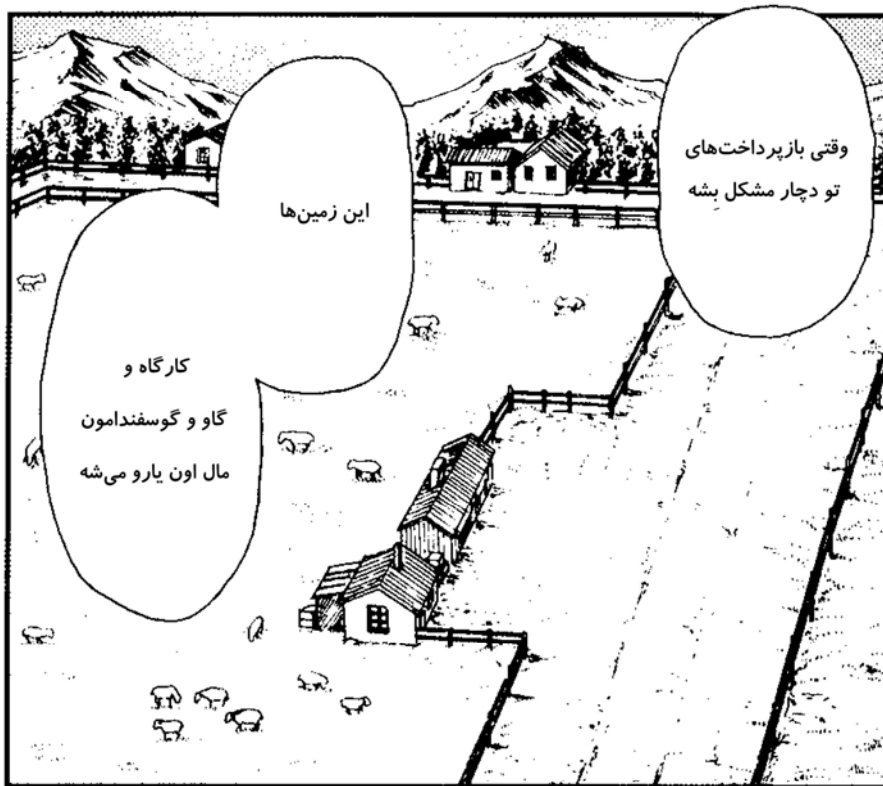


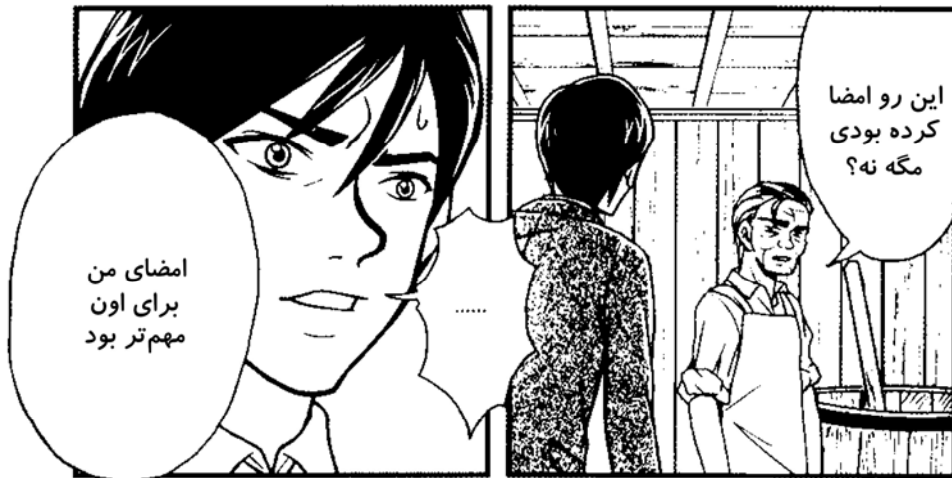




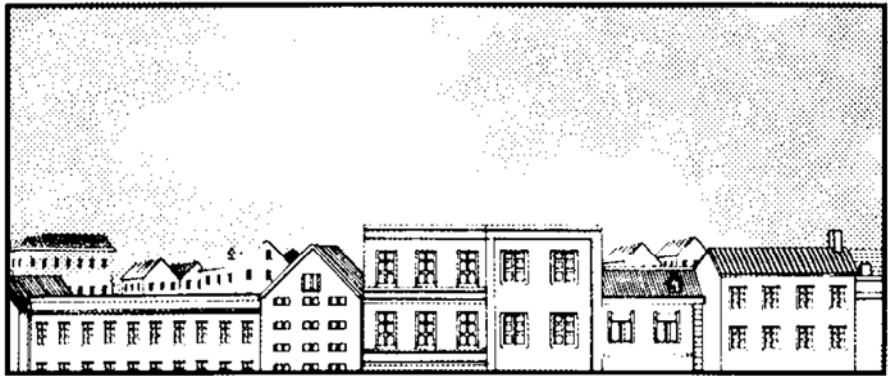


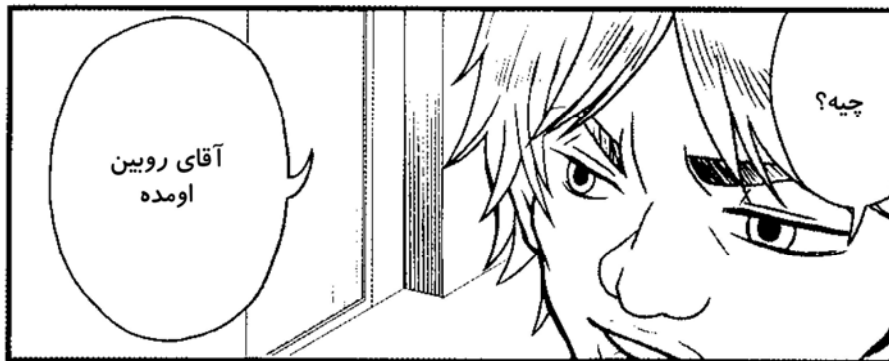
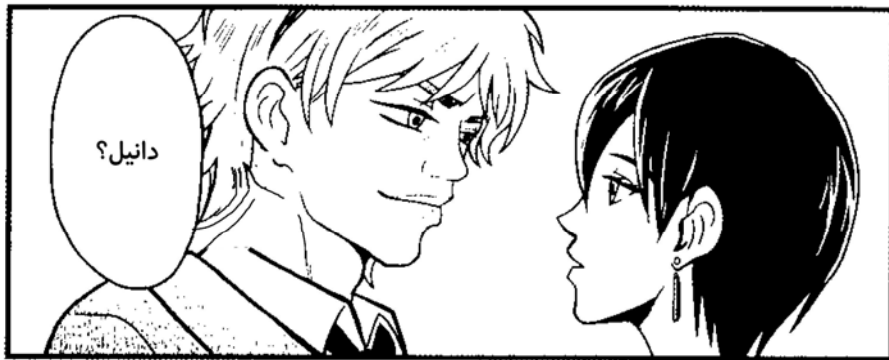
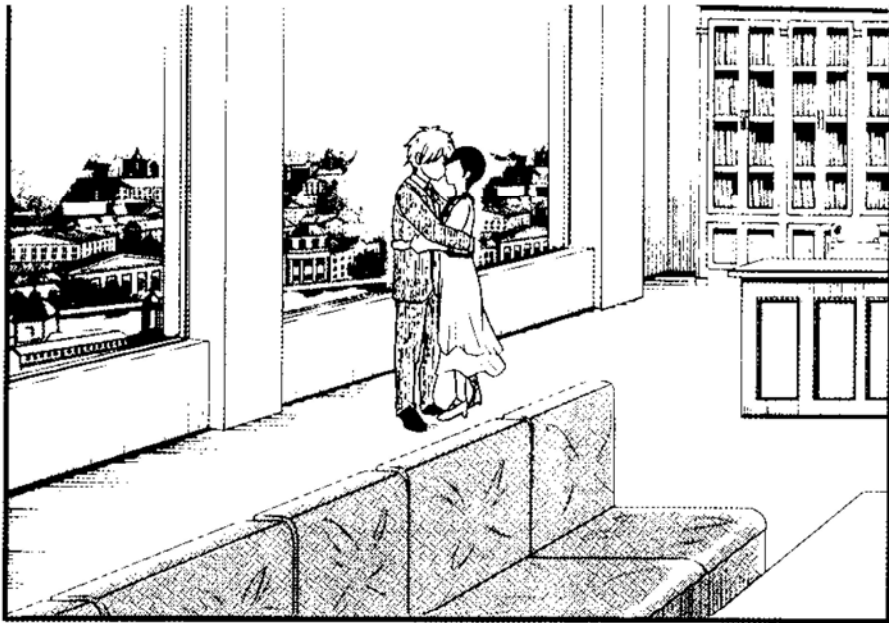


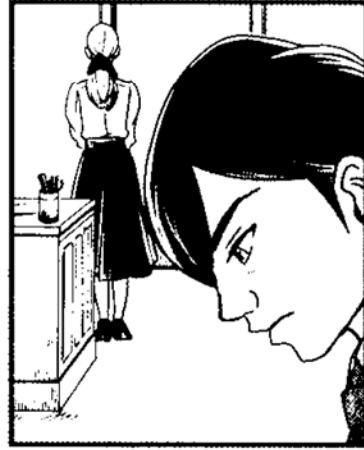




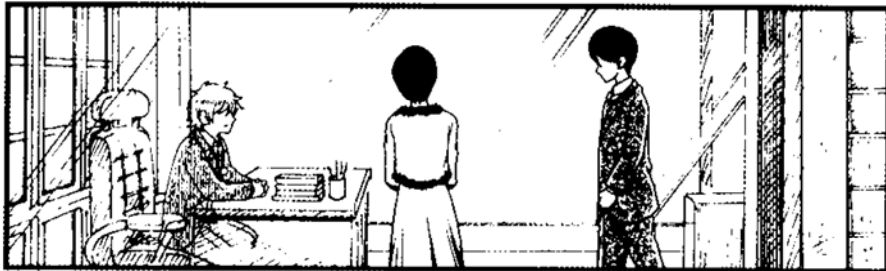




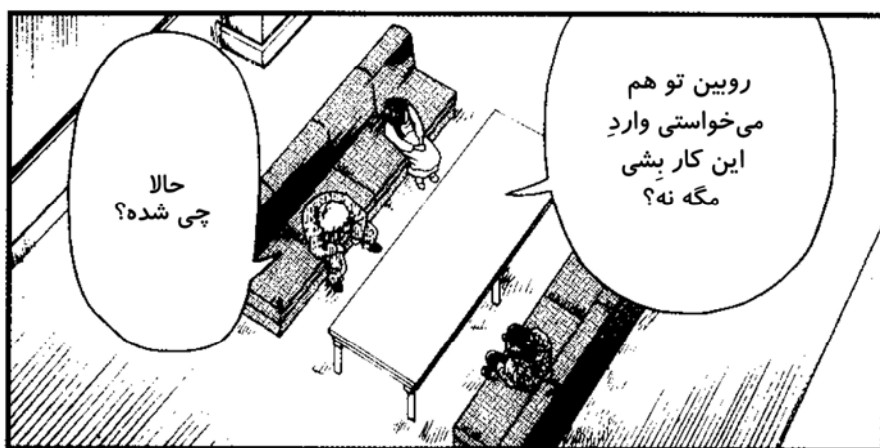


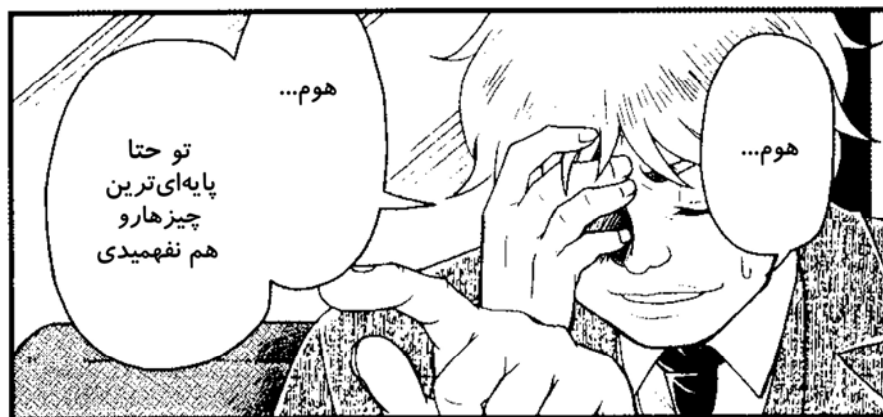




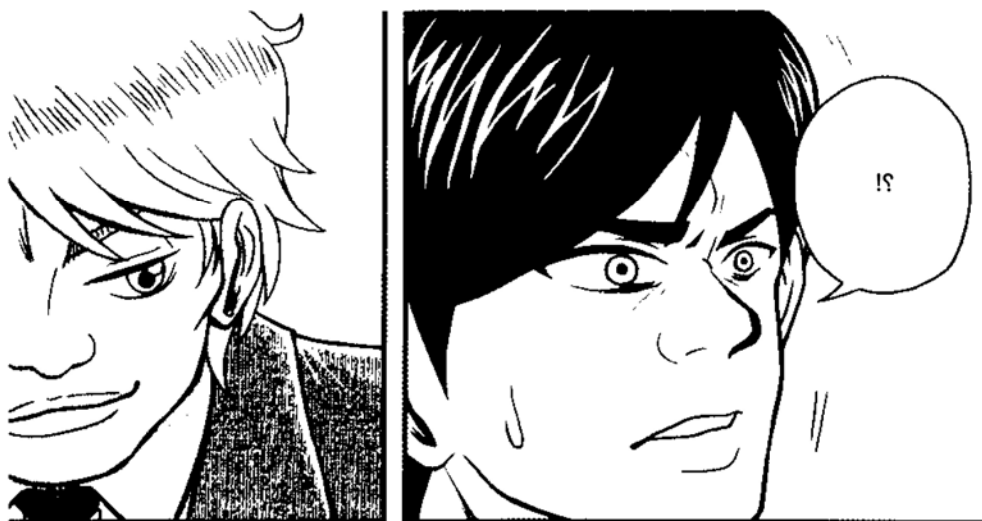




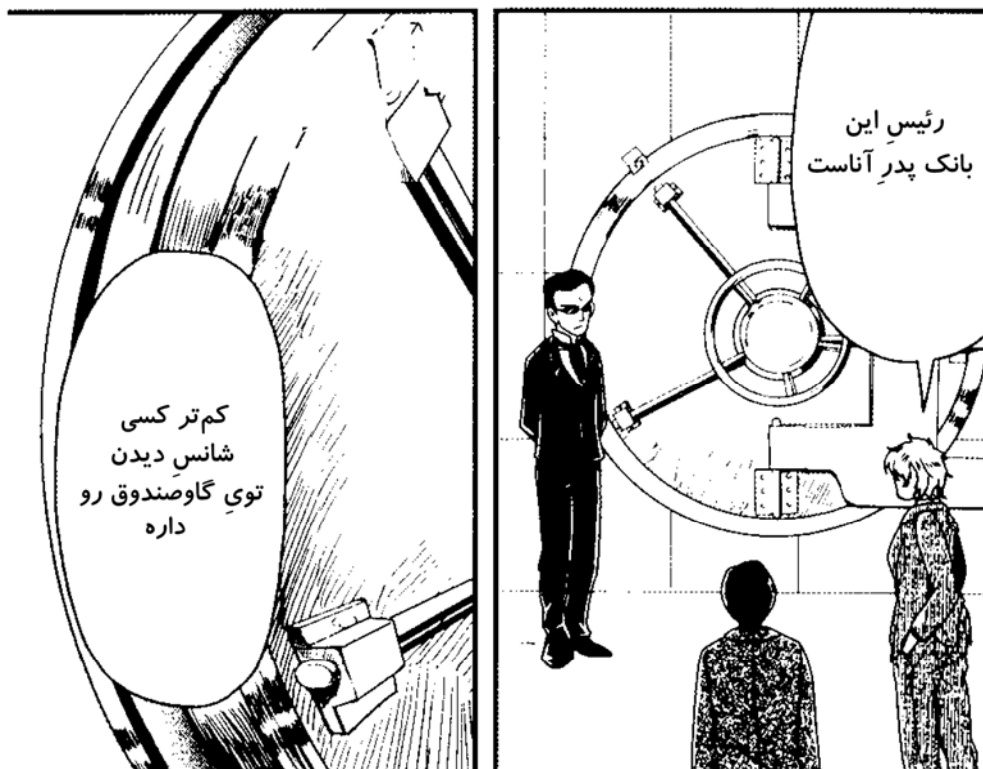




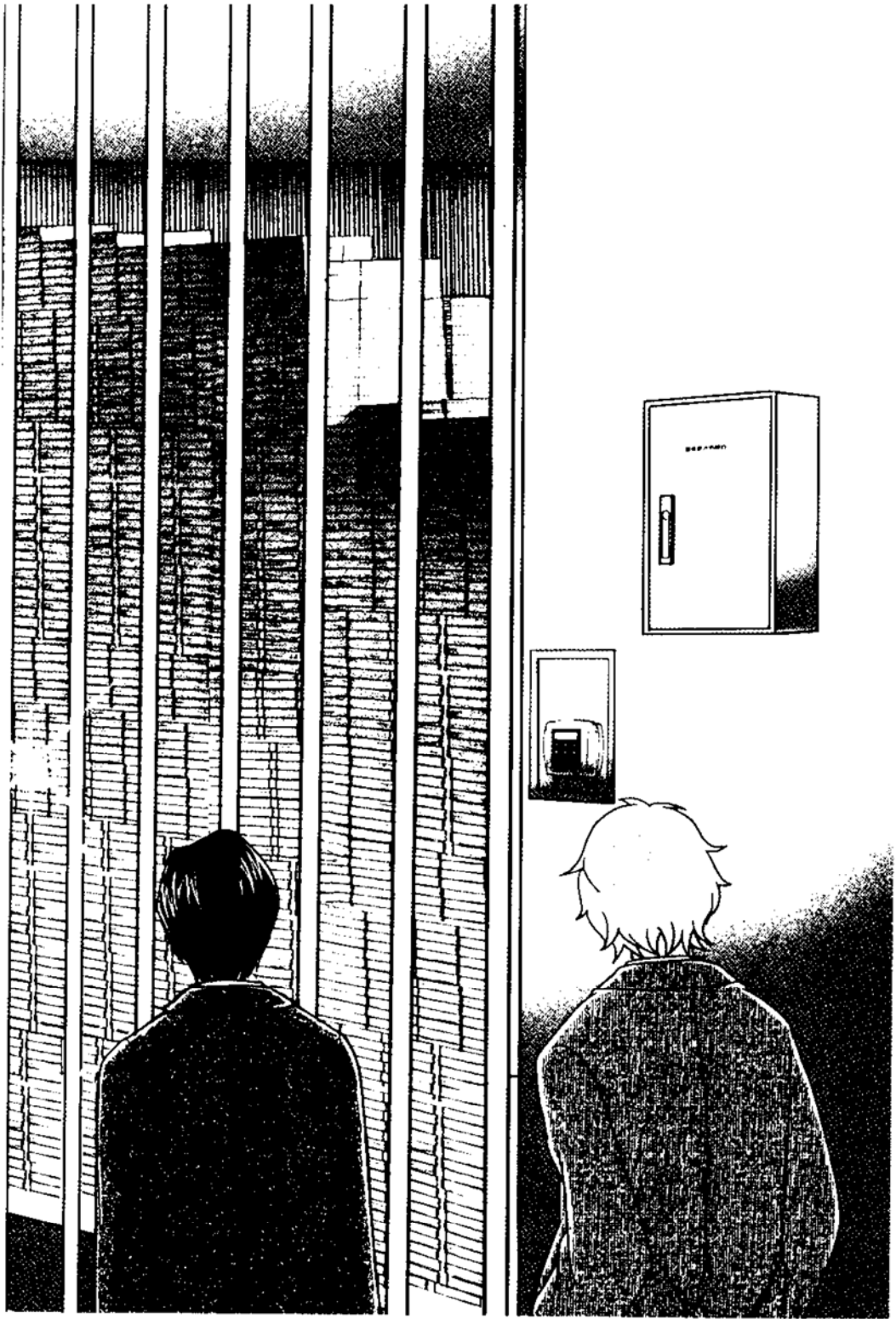


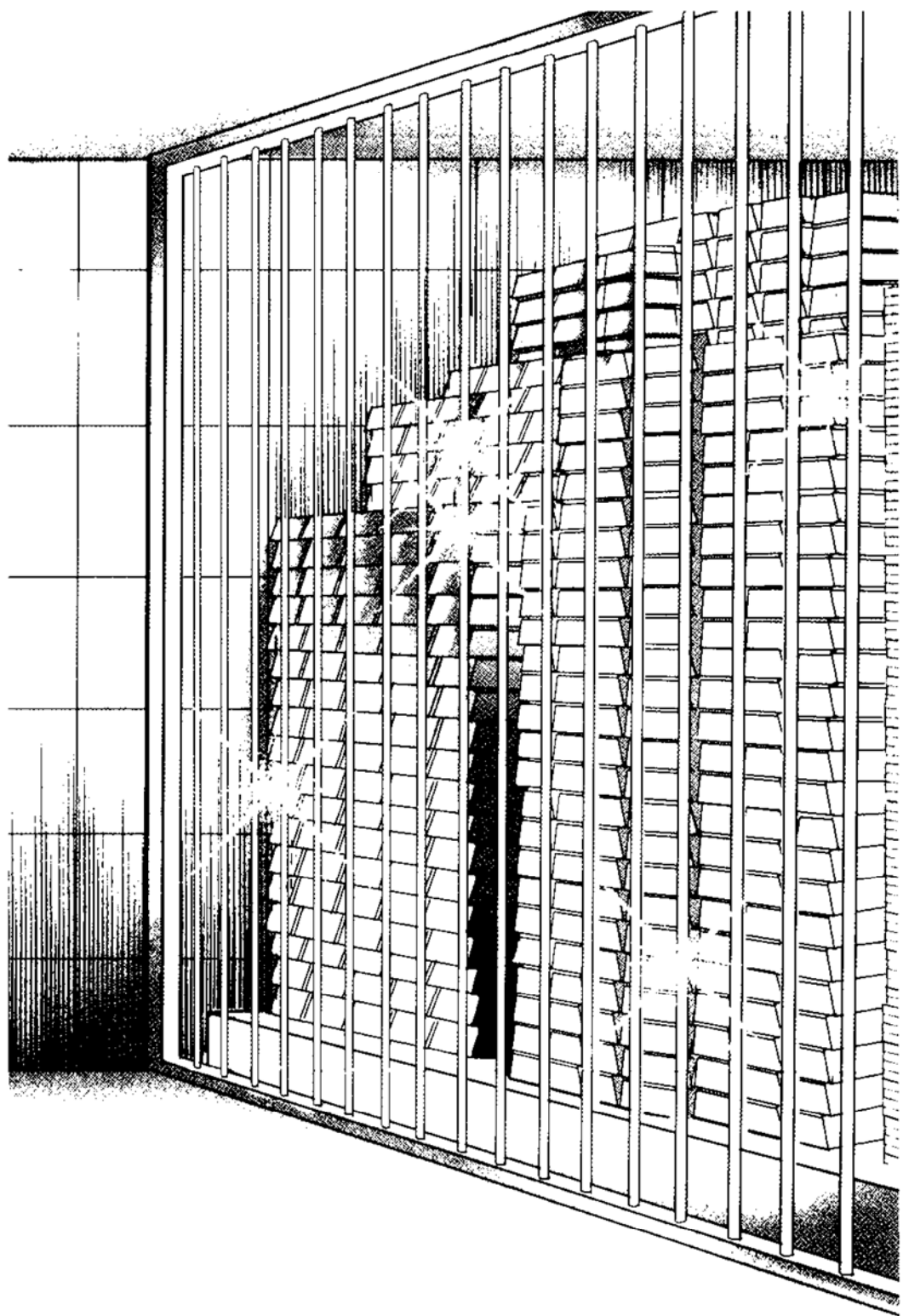




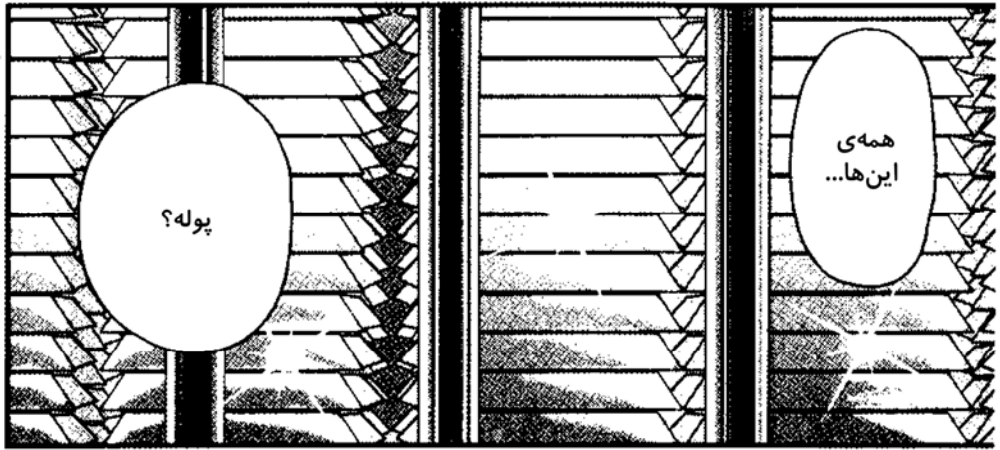




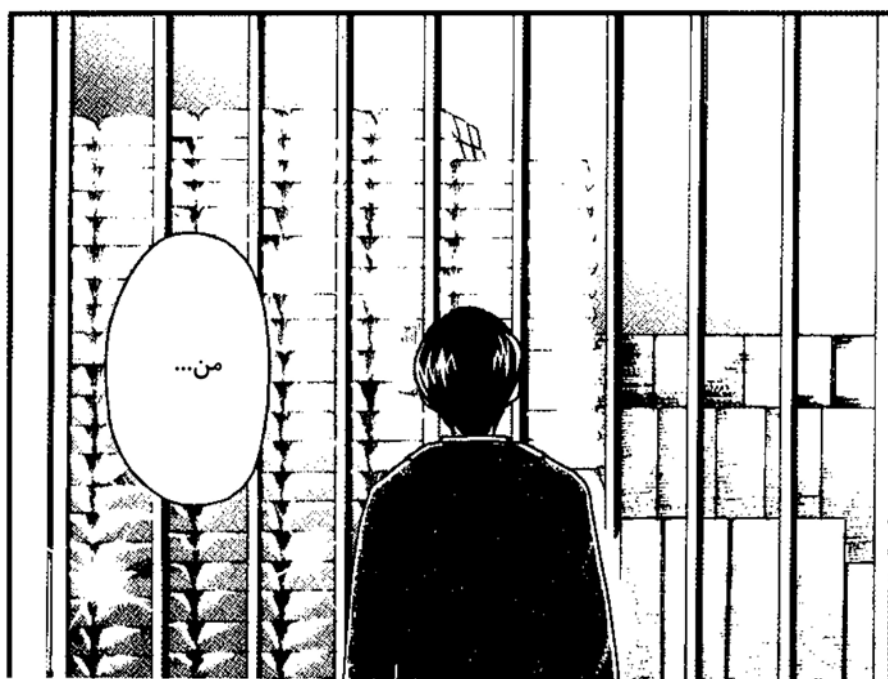


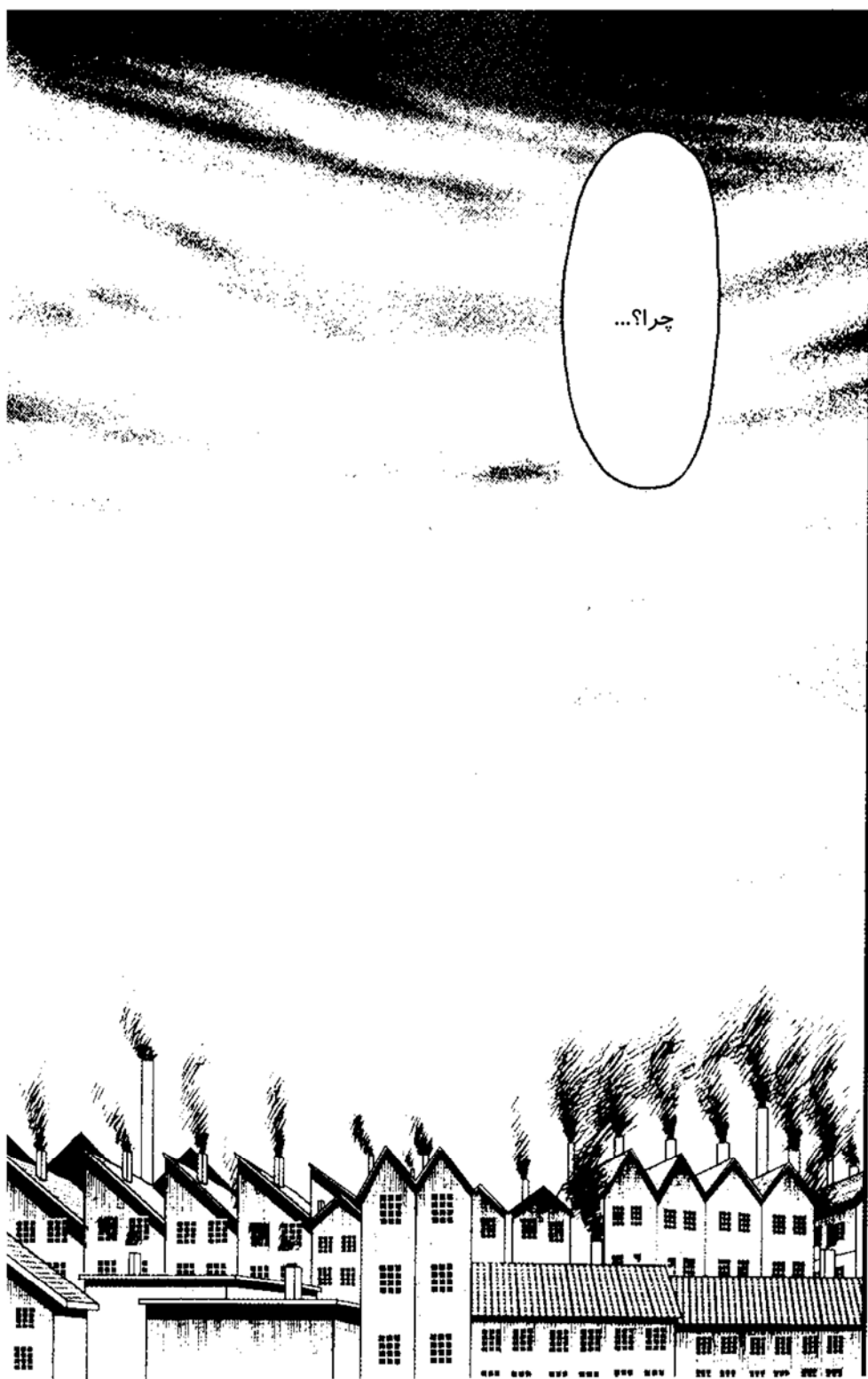


تعمیر ماهیت پول از وسیله‌ای برای مبادله با محصولات به تمهین کنندهی ارزش انسان‌ها و هر چیز دیگر.

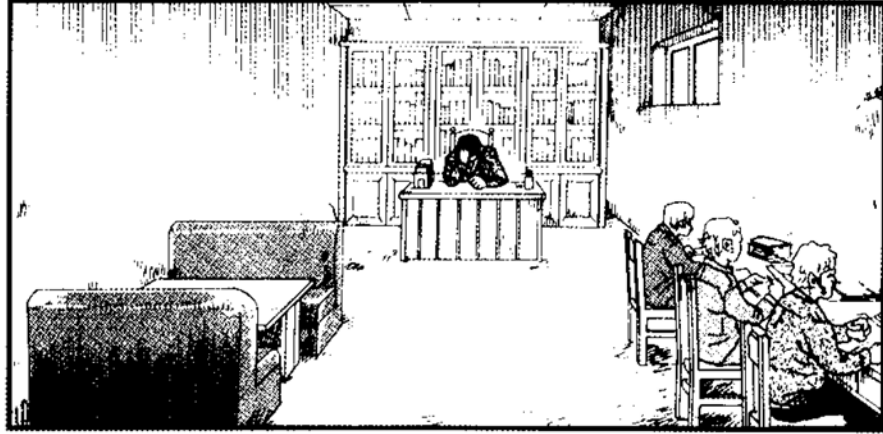
















درست و  
حسابی کار  
کن

مُعطِش نکن



مثل آدم  
کار کنید



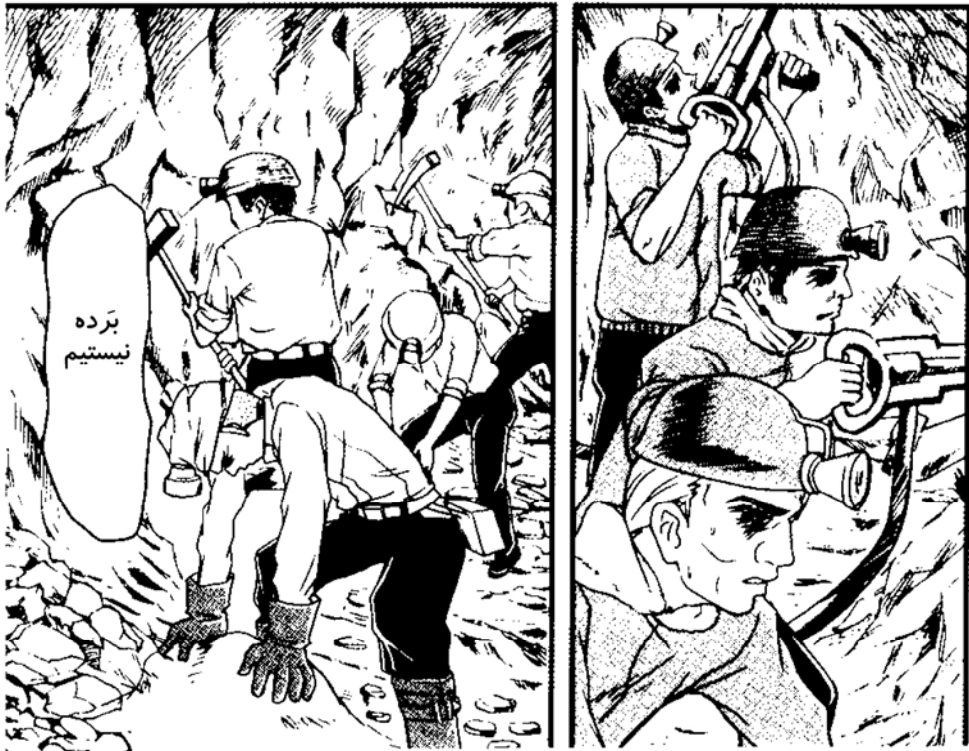
نمی‌تونم اجازه  
بدم زمین  
پدرم رو بگیره

هر اتفاقی  
ممکنه بیفته

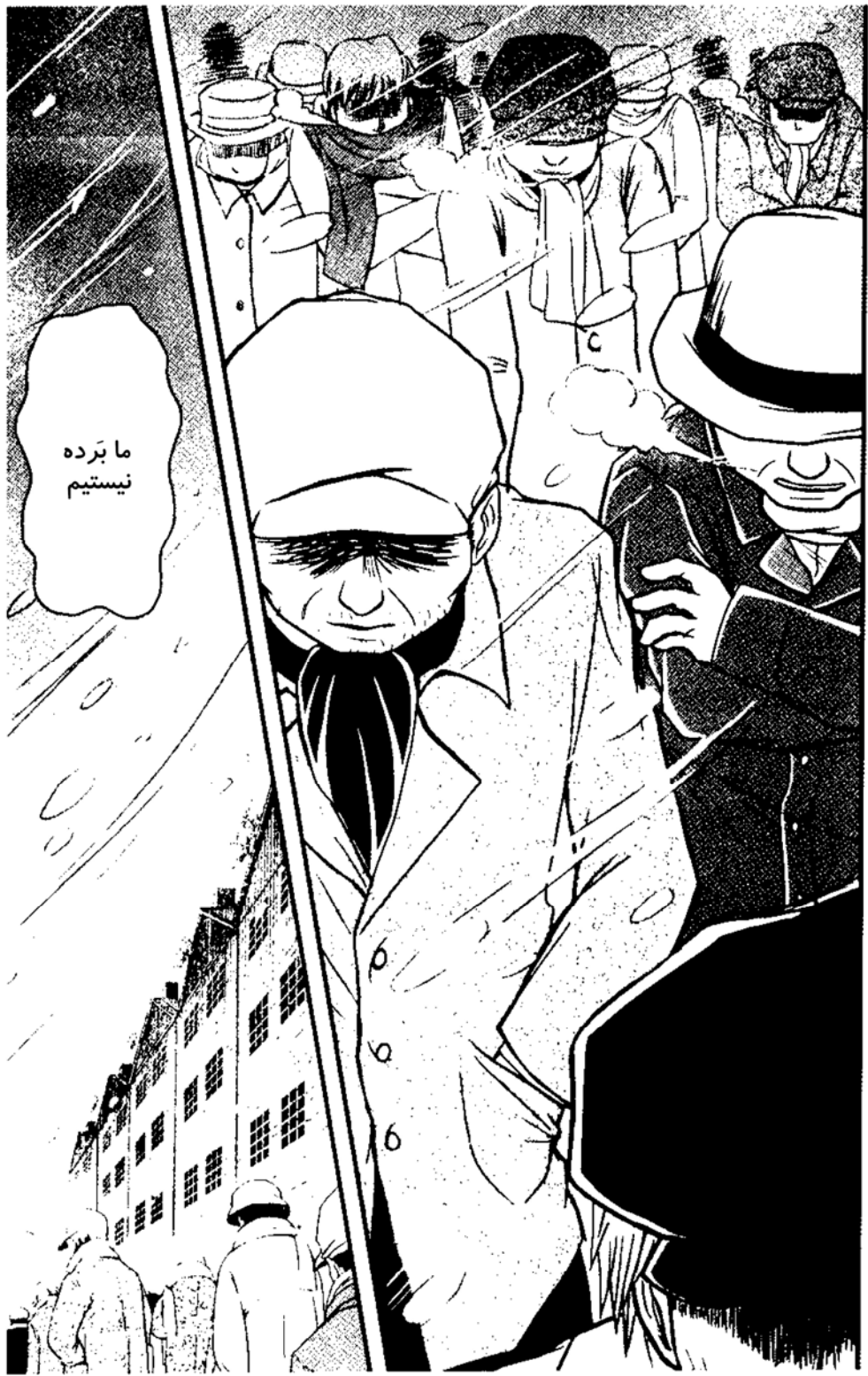
کاری که  
حالا باید  
بکنم

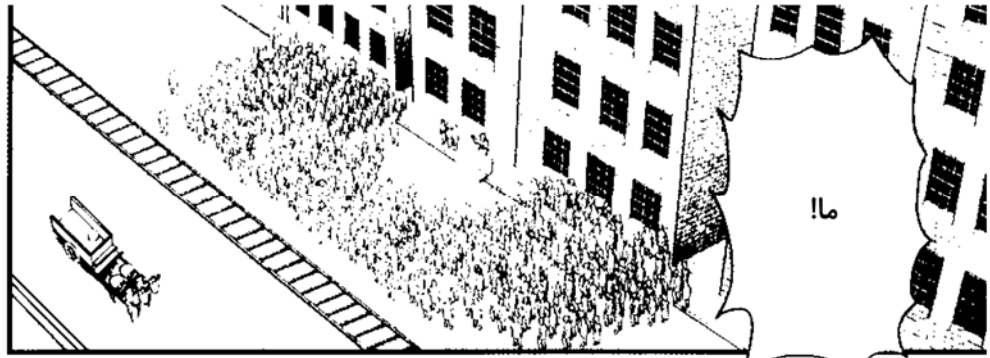




















وقتی بچه‌ش  
داره کار می‌کنه  
غذاش رو  
می‌ذاره توی دهنش

زنی بچه‌اش را  
که از خستگی  
توان راه رفتن  
نداره رو روی  
دوشش به کارخانه  
می‌آورد

بچه حتا اجازه  
نداره برای غذا  
محل کارش رو  
ترک کنه

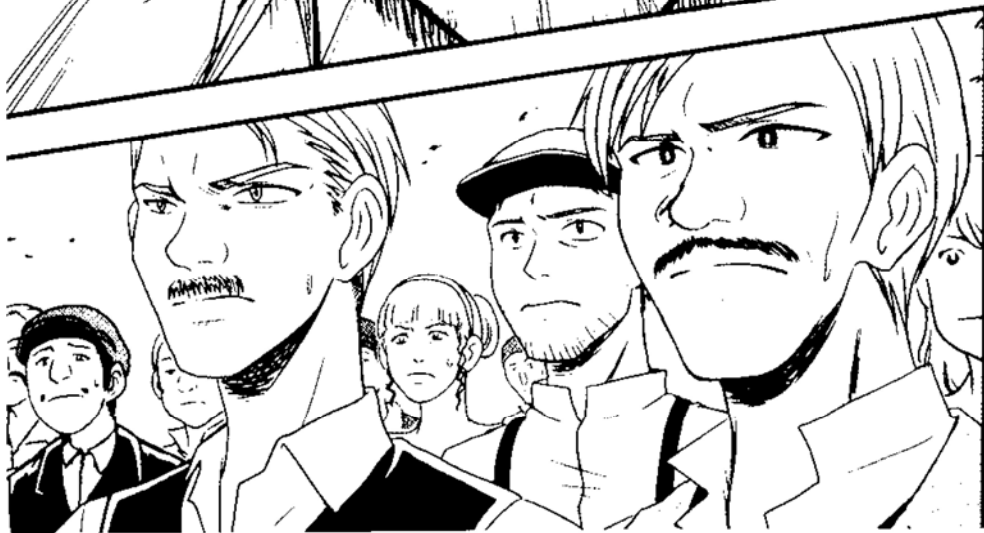


ما برای چی  
کار می‌کنیم؟

چرا؟











ارزشِ کالایی  
پیدا نمی‌کند

تا زمانی که  
ما می‌خریم و  
پولش رو نمی‌پردازیم



به ارزش  
تبدیل می‌کنیم

ما چیزی رو که  
آن‌ها صاحبش  
هستند رو...









ما برده  
نیستیم...

ما برده  
نیستیم...

این کتابِ مُصَوِّر با توجه به مباحث کتابِ «سرمایه»، نوشته‌ی کارل مارکس تهیه شده است و مفاهیم اساسی آن در قالب داستانی از فرآیندِ تولید در کارخانه‌ی پنیرسازی توضیح داده می‌شود و به این صورت کتابِ «سرمایه» را که متنی ترسناک و سخت جلوه می‌کند را به شکلی ساده برای مخاطبین بیش‌تری قابلِ فهم می‌کند. «سرمایه»ی مارکس برای اولین بار در این کتاب به شکلِ مُصَوِّر توضیح داده شده است و در سال ۲۰۰۸ از سوی انتشارات East Press در ژاپن منتشر شده است. کتاب توانسته هم از لحاظ محتوا و داستان و هم از لحاظ نقاشی و طراحی‌اش توجه بسیاری را در سطح جهانی جلب کند و میزان فروش آن در مدت کوتاهی از صدهزار جلد فراتر رفت. «سرمایه»ی مُصَوِّر، مطالعه‌ای جذاب را به خواننده وعده می‌دهد. کتاب برای طیف وسیعی می‌تواند مفید و جذاب باشد؛ هم برای افرادی که ماه‌ها وقت صرفِ فصول کتابِ «سرمایه» کرده‌اند و هم برای افرادی که نتوانسته‌اند تا کنون آرزوی مطالعه‌ی «سرمایه» را متحقق کنند و هم برای جوانانی که خواهان آشنایی با مفاهیم اساسی «سرمایه» هستند و هم برای افرادی که به مطالعه‌ی رمان‌های مُصَوِّر علاقه دارند.

شورای دانش‌جویان و جوانان چپ ایران

[www.shorayejavanan.com](http://www.shorayejavanan.com)